
شوق عهد
ترجمه و شرح دعای عهد

بسم الله الرحمن الرحیم

شوق عهد (ترجمه و شرح دعای عهد)

نویسنده:

مجتبی کلباسی

ناشر چاپی:

بنیاد قرآن و عترت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

شوق عهد (ترجمه و شرح دعای عهد)

مشخصات کتاب

سرشناسه : دعای عهد. شرح

عنوان و نام پدیدآور : شوق عهد (ترجمه و شرح دعای عهد)/ مجتبی کلباسی.

مشخصات نشر : تهران : بنیاد قرآن و عترت ، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری : ۱۰۲ ص.؛ ۵/۹×۵/۱۸ س م.

شابک : ۹۶۴۹۶۵۱۹۳۴

وضعیت فهرست نویسی : فاپا (چاپ دوم)

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : ترجمه و شرح دعای عهد

موضوع : دعای عهد -- نقد و تفسیر.

شناسه افزوده : کلباسی، مجتبی ، شارح.

شناسه افزوده : بنیاد قرآن و عترت

رده بندی کنگره : BP۲۷۰/ع ۹۰۴۲۲ک۸ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۴

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۴-۳۰۵۲۹

ص:۱

اشاره

بنیاد قرآن و عترت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

تهران:

تلفن: تلفکس:

شوق عهد (شرح دعای عهد)

مولف: مجتبی کلباسی

صفحه آرایی:سید جاوید حسینی

چاپ اول/۱۳۸۴

قطع پالتویی / ۱۰۴ صفحه

چاپ/

شمارگان/۳۰۰۰

قیمت/

تقدیم به:

منتظران ظهور

شیفتگان حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف

تشنگان عدالت

ص:۳

فهرست مطالب

مقدمه

یکی از گنجینه های ارزشـمند مـذهب تشیع، دعاهایی است که از فراز و نشیب تاریخ، گذر کرده و از مکتب اهل بیت علیهم السـلام به دست مـا رسـیده است. مضـامین متعـالی، اسـتواری متن و عبـارات دلنشـین، از جمله ویژگی های این دعاها است. از جمله این دعاهای گرانسنگ و تعهد آفرین، «دعای عهد» است که شهرتی ویژه دارد.

از آنجا که توجه به معانی دعا، شـرط تحقق آن است و بدون آن دعا از عنصـر انشا خالی است، این شـرح مختصـر و قابل فهم برای عموم نگاشـته شده تادر دسترس علاقه مندان و شـیفتگان حضـرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد. آنچه این توفیق را فراهم آورد، پی گیری هـا و همت بنیـاد قرآن و عترت سـپاه پاسـداران انقلاب اسـلامی بود که از همه مسؤولان و دست

اندرکاران آن بنیاد محترم تقدیر و تشکر

می شود. از خداوند منان برای همه آنان توفیق روزافزون درمسیر خدمت به قرآن واهل بیت علیهم السلام خواستاریم.

والسلام

ص:۸

منابع دعای عهد

دعای «عهد» از جمله دعاهای مشـهور است. این دعا را کفعمی در مصباح و علامه مجلسی رحمه الله در بحارالانوار نقل کرده اند.

مجلسی رحمه الله این دعا را از کتاب «العتیق» (کتابی قدیم) نقل کرده است.

ایشان درباره کتاب مذکور می نویسد: کتاب عتیق در ادعیه و مشـتمل بر دعاهای کامل، بلیغ و شگفت است که از هر یک نور اعجاز و فهم ساطع می گردد. هر قسـمت از جملات آن، گواهی عـدل بر صدور آن از ائمه علیهم السـلام و فرمانروایان سـخن است. سید بن طاووس در «مهج الدعوات» و غیر آن، از این کتاب نقل کرده است.

تاریخ کتابت نسخه ای که من از آن نقل می کنم، سال ۵۷۶ (ه_.ق) است.

از کلام کفعمی (در مصباح) چنین بر می آید که این کتاب، مجموعه دعا های گردآوری شده

ص:۹

به دست «ابی الحسین محمد بن هارون تلعکبری» است که از بزرگان اهل حدیث است(۱).

هم چنین از خط «شیخ محمد بن علی الحبعی» از خط شیخ علی بن السکون، به نقل از فخاربن معد، با اسناد متصل از امام صادق علیه السلام چنین نقل می کند که حضرت فرمود:

«کسی که چهل صبحگاه این عهد را بخواند، از یاوران قائم ما خواهد بود و اگر از دنیا برود، خداوند او را از قبر بیرون خواهد آورد و به او در عوض هر کلمه هزار حسنه می دهد و هزار گناه از او محو می کند(۲).»

در هر صورت اعتماد سید بن طاووس بر آن کتاب و اشتهار دعای عهد در بین علمای شیعه و صلابت مضامین آن، گواه اعتبار و استناد آن است.

۱- بحار الانوار، ج ۱، ص ۳۳.

۲- بحار الانوار، ج۹۱، ص ۴۲.

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. «اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِیمِ»؛

«بار خدایا! ای پروردگار نور بزرگ!»

۲. «وَ رَبَّ الْکرْسِیِّ الرَّفِیعِ»؛

«و ای پروردگار کرسی بلند مرتبه!»

۳. «وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ»؛

«و ای پروردگار دریای پر (یا دریای آتش)!»

۴. «وَ مُنْزِلَ التَّوْرَاهِ وَ الاِنْجِیلِ وَ الزَّبُورِ»؛

«و ای نازل کننده تورات و انجیل و زبور!»

۵. «وَ رَبَّ الظِّلِّ وَ الْحَرُورِ»؛

«و ای پروردگار سایه و آفتاب گرمای سوزان!»

۶. «وَ مُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِیمِ»؛

«و ای نازل کننده قرآن عظیم!»

۷. «وَ رَبَّ الْمَلائِکهِ الْمُقَرَّبِینَ وَ الاَنْبِیَاءِ وَالْمُرْسَلِینَ»؛

«و ای پروردگار فرشتگان مقرب و پیامبران و رسولان!»

۸. «اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُک بِوَجْهِک الْکرِیمِ»؛

«بار خدایا ! از تو در خواست می کنم به حق روی بزرگوار و بخشنده ات!».

۱. «وَ بِنُورِ وَجْهِک الْمُنِیرِ»؛

«و از تو در خواست می کنم به حق نور وجه روشنایی بخش تو!»

۲. «وَ مُلْکک الْقَدِیمِ »؛

«و تو را می خوانم به حق فرمانروایی ازلی تو!»

۳. «یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ »؛

«ای زنده و ای پابرجا!»

۴. «اَسْأَلُک بِاسْمِک الَّذِی أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَ الاَرَضُونَ »؛

«از تو می طلبم به حق آن نامی که آسمان ها و زمین ها به واسطه آن تجلی و درخشش یافت!»

۵. «وَ بِاسْمِک الَّذِی یَصْلَحُ بِهِ الاَوَّلُونَ وَ الاخِرُونَ»؛

«و به حق نام تو که اولین و آخرین [همه خلایق] به سبب آن شایسته می شوند!»

۶. «یَا حَیّاً قَبْلَ کلِّ حَیٍّ »؛

«ای زنده پیش از هر زنده!»

۷. «وَ یَا حَیّاً بَعْدَ کلِّ حَیٍّ »

ص:۱۲

«و ای زنده پس از هر زنده!»

۱. «وَ یَا حَیّاً حِینَ لا حَیَّ»

«و ای زنده آن هنگام که هیچ زنده ای نیست!»

۲. «یَا مُحْیِی الْمَوْتَی وَ مُمِیتَ الاَحْیَاءِ»

«ای حیات بخش مردگان و ای میراننده زندگان!»

۳. «یَا حَیُّ لا إِلَهَ إِلّا اَنْتَ»؛

«ای زنده! نیست معبودی مگر تو!»

۴. «اَللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلانَا الإِمَامَ الْهَادِیَ الْمَهْدِیَّ اَلْقَائِمَ بِأمْرِک صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ وَ عَلَی آبَائِهِ الطَّاهِرِینَ»؛

«بار خدایا: به مولای ما آن امام هدایت شده که بر پای امر و کار تو است [درود و سلام] برسان!»

۵. «عَنْ جَمِیعِ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِی مَشَارِقِ الاَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا»؛

«خدایا از جانب همه مردان و زنان مؤمن سراسر زمین ــ مشرق و مغرب ها ــ از سرزمین های

هموار و کوهستانی و خشکی و دریا [بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف درود فرست] !»

۱. «وَ عَنِّی وَ عَنْ وَالِدَیَّ مِنَ الصَّلَوَاتِ»؛

«و از خودم و از جانب پدر و مادرم بر آن حضرت درود فرست!»

۲. «زِنَهَ عَرْشِ اللهِ»؛

«معادل عرش الهی!»

۳. «وَ مِدَادَ کلِمَاتِهِ »؛

«و به اندازه مرکبی که کلمات او با آن نوشته شود!»

۴. «وَ مَا اَحْصَاهُ عِلْمُهُ»

«و آنچه که علم پروردگار آنها را به شمارش در آورده است!»

۵. «وَ اَحَاطَ بِهِ کتَابُهُ»؛

«و آنچه که کتاب پروردگار بر آن احاطه دارد!»

۶. «اَللَّهُمَّ إِنِّی اُجَدِّدُ لَهُ فِی صَبِیحَهِ یَوْمِی هَذَا وَ مَا عِشْتُ مِنْ اَیَامِی عَهْداً وَ عَقْداً وَ بَیْعَهً لَهُ فِی عُنُقِی»

«بار خدایا! من در صبحگاه امروز و هر روز تا زمانی که زنده ام عهد و عقد و بیعت را بر گردنم تجدید می کنم!»

۱. «لا اَحُولُ عَنْهَا وَ لا اَزُولُ اَبَداً»؛

«ازآن پیمان برنمی گردم و هیچ گاه ازپا نمی نشینم!»

۲. «اَللَّهُمَّ اجْعَلْنِی مِنْ اَنْصَارِهِ وَ اَعْوَانِهِ»؛

«بار خدایا! مرا از یاوران و کمک دهندگان او قرار بده!»

۳. «وَ الذَّابِّینَ عَنْهُ»

«و از دفع کنندگان از او باشم!»

۴. «وَ الْمُسَارِعِینَ إِلَیْهِ فِی قَضَاءِ حَوَائِجِهِ»؛

«و از کسانی باشم که در بر آوردن خواسته های او شتاب ورزم!»

۵. «وَ الْمُمْتَثِلِینَ لِاَوَامِرِهِ وَ الْمُحَامِینَ عَنْهُ »؛

«و ما را از کسانی قرار ده که از فرمان های او اطاعت و از او حمایت و دفاع کنم!»

۶. «وَ السَّابِقِینَ إِلَی إِرَادَتِهِ»؛

«و ما را از پیشی گیرندگان به انجام خواسته او قرار ده!»

۷. «وَ الْمُسْتَشْهَدِینَ بَیْنَ یَدَیْهِ»؛

«و مرا از جمله کسانی قرار ده که در برابر او شهادت را در آغوش کشم!»

۱. «اَللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْماً مَقْضِيّاً فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَزِراً كَفَنِي شَاهِراً سَيْفِي مُجَرِّداً قَنَاتِي مُلَبِّياً دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي»؛

«بار خدایا! اگر بین من و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مرگی که آن را بر بندگانت حتمی و واقع شدنی قرار داده ای فاصله انداخت؛ مرا از قبرم خارج کن؛ در حالی که کفن بر دوش گرفته، شمشیر آخته و نیزه خود را آماده کرده ام و پاسخ دهنده دعوت کننده باشم در حضر و سفر!»

۲. «اَللَّهُمَّ اَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ»؛

«خدایا! آن طلوع [درخشش] رشد آفرین را به من بنمایان!»

۳. «وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ»؛

«و آن سپید پیشانی ستوده را به من بنمایان!»

۴. «وَ اكْحُلْ نَاظِرِي بِنَظْرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ»؛

«خدایا! چشمانم را با نگاهی به او شفا بخش!»

ص:۱۶

۱. «وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ»؛

«خدایا! در گشایش کار او تعجیل فرما!»

۲. «وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ»؛

«و خروج او را آسان فرما!»

۳. «وَ أوْسِعْ مَنْهَجَهُ»؛

«وراه و مسیر او را گسترش بده!»

۴. «وَ اسْلُك بِی مَحَجَّتَهُ»؛

«و مرا در مسیر دریافت حجت ها و راهنمایی های او قرار ده!»

۵. «وَ اَنْفِذْ اَمْرَهُ»؛

«و کار و مأموریت او را تنفیذ کن!»

۶. «وَ اشْدُدْ اَزْرَهُ»؛

«و پشت او را محکم کن!»

۷. «وَ اعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلادَ ک»؛

«وخدایا! به وسیله او سرزمین هایت را آباد گردان!»

۸. «وَ أحْیِ بِهِ عِبَادَ ک»؛

«وبندگان خود را به واسطه او زنده گردان!»

۹. «فَإِنَّک قُلْتَ وَ قَوْلُک الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا کسَبَتْ اَیْدِی النَّاسِ»؛

«خدایا! تو فرمودی و گفتار تو حق است که: آشکار شد فساد در خشکی و دریا، به واسطه دستاوردهای اعمال مردم!»

۱. «فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِیَّک وَ ابْنَ بِنْتِ نَبِیِّک الْمُسَمَّی بِاسْمِ رَسُولِک»

«پس خداوندا! ولیّ خود و پسر دختر پیامبرت-که هم نام رسول تو است- بر ما ظاهر ساز!»

۲. «حَتَّی لا یَظْفَرَ بِشَیْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلّا مَزَّقَهُ وَ یُحِقَّ الْحَقَّ وَ یُحَقِّقَهُ»؛

«تا آن حضرتش به باطلی دست نیابد، مگر آن که آن را مضمحل و حق را بر پا داشته و آن را پیاده سازد!»

۳. «وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْزَعاً لِمَظْلُومِ عِبَادِک»؛

«بار خدایا! او را پناه بندگان مظلومت قرار ده!»

۴. «وَ نَاصِراً لِمَنْ لایَجِدُ لَهُ نَاصِراً غَیْرَک»؛

«و یاور برای کسی که جز تو یاوری نمی یابد!»

۵. «وَ مُجَدِّداً لِمَا عُطِّلَ مِنْ أحْکامِ کتَابِک»؛

«و او را تجدید کننده احکام قرآنت که تعطیل شده است قرار بده!»

ص:۱۸

۱. «وَ مُشَیِّداً لِمَا وَرَدَ مِنْ اَعْلامِ دِینِک وَ سُنَنِ نَبِیِّک صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ»؛

«و او را استحکام بخش نشانه ها و شعارهای دینت و سنت های پیامبرت صلی الله علیه و آله و سلم قرار ده!»

۲. «وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِینَ»؛

«بار خدایا! او را از کسانی قرار ده که از آزار و فشار متجاوزان در امان باشد!»

۳. «اَللَّهُمَّ وَ سُرَّ نَبِیَّک مُحَمَّداً صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ بِرُؤْیَتِهِ وَ مَنْ تَبِعَهُ عَلَی دَعْوَتِهِ»؛

«بار خدایا! پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و کسانی که به دعوت او (حضرت مهدی)، او را پیروی می کنند با دیدن او شاد فرما!»

۴. «وَ ارْحَمِ اسْتِکانَتَنَا بَعْدَهُ»؛

«وبر ذلّت ما پس از پیامبرت رحم کن!»

۵. «اَللَّهُمَّ اکشِفْ هَذِهِ الْغُمَّهَ عَنْ هَذِهِ الْاُمَّهِ بِحُضُورِهِ»؛

«بار خدایا! این گرفتاری را از این امت با ظهور آن حضرت، بر طرف فرما!»

ص:۱۹

۱. «وَ عَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ»؛

«بار خدایا ! در ظهورش تعجیل کن!»

۲. «إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ نَرَاهُ قَرِيباً»؛

«همانا آنان ظهور را دور می بینند و ما آن را نزدیک می بینیم!»

برحمتك یا ارحم الراحمین

به رحمت تو ای مهربانترین مهربانان عالم

۳. پس ۳ مرتبه دست بر ران راست خود می زنی و در هر مرتبه می گویی: «اَلْعَجَلَ الْعَجَلَ يَامَوْلای يَاصَاحِبَ الزَّمَانِ»؛

«تعجیل کن، تعجیل کن، ای مولای من ای صاحب زمان!»

ص:۲۰

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. «اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِیمِ»؛

«بار خدایا! ای پروردگار نور بزرگ!»

نور در دو معنا به کار رفته است.

۱. نور ظاهری؛ همانند نور خورشید، ستارگان، وسایل روشنایی.

۲. نور هدایت که روشنایی دل وباطن است.

از همین رو قرآن نور دانسته شده است: ((وَأَنزَلْنَا إِلَیْکمْ نُورًا مُّبِینًا))(۱)؛ «و ما به جانب شما نوری روشنگر نازل کردیم». تورات و انجیل نیز به همین ویژگی توصیف شده است: ((إِنَّا أَنزَلْنَا التَّوْرَاهَ فِیهَا هُدًی وَنُورٌ))(۲) «ما تورات را که در آن هدایت و نور است نازل کردیم» و ((وَآتَیْنَاهُ الإِنجِیلَ فِیهِ هُدًی وَنُورٌ))(۳).

درباره«نور عظیم» چند احتمال وجود دارد:

نور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام: ((إِنَّا أَرْسَلْنَاک شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِیرًا

۱- نساء (۴)، آیه ۱۷۴.

۲- مائده (۵)، آیه ۴۴.

۳- مائده (۵)، آیه ۴۶.

۱. وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُّنِيرًا))(۱)؛ «ما تو را شاهد و بشارت دهنده و بیم دهنده ودعوت کننده به خداوند و چراغی فروزان فرستادیم». قرآن پیامبر را چراغ درخشنده دانسته است.

۲. نور قرآن: ((وَأَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا))(۲).

۳. نور آفریده شده در عرش الهی که درخشان ترین نور است.(۳)

۴. نور عقل که موجب هدایت است.(۴)

البته مقصود می تواند همه این موارد باشد.

[

۲. «وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ»؛

«و ای پروردگار کرسی بلند مرتبه!»

«کرسی»چهارپایه ای است که حکام و سلاطین معمولا بر آن نشسته و حکمرانی می کردند.

۱- احزاب (۳۳)، آیه ۴۶.

۲- نساء (۴)، آیه ۱۷۴.

۳- بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۲۸۸ و ج ۸۸، ص ۹۰.

۴- بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۲۸۸ و ج ۸۸، ص ۹۰.

مقصود از کرسی خداوند

خداونـد از زمـان و مکـان و عوارض ماده منزّه است. قرآن مجیـد کرسـی خداونـد را این گونه توصـیف فرموده است: ((وَسِعَ کرْسِیُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالارْضَ(۱)))؛ «کرسی خداوند آسمان ها و زمین را در بر گرفته است».

به مقتضای این آیه، آسـمان ها و زمین کرسی خداوند است و مقصود از آن علم و قدرت پروردگار است که در این عرصه ها جلوه گر است.

[

۳. «وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ»؛

«و ای پروردگار دریای پر (یا دریای آتش)!»

درباره «الْبَحْرِالْمَسْجُورِ» چند نظرارائه شده است:

۱. به معنای دریای پر؛

۱- بقره (۲)، آیه ۲۵۵.

۱. دریایی است در زیر عرش الهی(۱)؛

۲. دریای خشک شده که از آب خالی است.

۳. دریای آتش، چنان که در آیه دیگر آمده است:درآستانه قیامت دریاها آتش می گیرند: ((وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ))(۲)؛

در برخی از کتاب های روایی و تفسیر نقل شده که: «محل دوزخ دریاها هستند(۳).»

در هر صورت«الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ» موضوعی با عظمت و قابل توجه است که خداوند در قرآن به آن قسم یاد کرده است.

[

۴. «وَ مُنْزِلَ التَّوْرَاهِ وَالْاِنْجِیلِ وَ الزَّبُورِ(۴)»؛

«و ای نازل کننده تورات و انجیل!»

تورات کتاب حضرت موسی علیه السلام و انجیل کتاب حضرت عیسی علیه السلام و زبور کتاب حضرت داود علیه السلام است که بر آن پیامبران بزرگ نازل شده است.

ص:۲۴

۱- بحار الانوار، ج ۵۵، ص۱۰۷.

۲- التکویر(۸۱)، آیه۶.

۳- ر.ک: تفسیرقمی،ج۲،ص۴۰۷؛بحارالانوار،ج ۷، ص۱۰۷.

۴- فاطر (۳۵)، آیه ۲۱.

[

۵. «وَ رَبَّ الظِّلِّ وَ الْحَرُورِ»؛

«و ای پروردگار سایه و آفتاب و گرمای سوزان!»

«ظل» به معنای سایه و «حرور» به معنای شدّت گرما است.

برخی از مفسران در آیه: ((وَ لاالظِّلِّ وَ لاالْحَرُورِ))(۱) مقصود از ظل را بهشت دانسته اند؛ زیرا در آنجا سایه همیشگی است و از سوزندگی خورشید خبری نیست و همواره فضایی مطبوع و دلنشین دارد. مراد از«الْحَرُورِ» را جهنم دانسته اند؛ چون که همواره گرم و سوزان است(۲).

[

۶. «وَ مُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِیمِ»؛

«و ای نازل کننده قرآن عظیم!»

در جملات گذشته سخن از نزول کتاب های آسمانی بود؛ ولی قرآن را به صورت مجزا و با توصیف«عظیم» آورده است. چون قرآن نسبت

۱- فاطر (۳۵)، آیه ۲۱.

۲- تفسیر فرطیی، ذیل آیه.

به کتب آسمانی گذشته مقامی برتر دارد و«مهیمن» بر آنها است. (مهیمن یعنی شاهد و ناظر و قائم بر چیزی).

درقرآن مجید چندچیزعظیم دانسته شده است:

۱. خداوند: ((هُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ))(۱)؛

۲. فضل خداوند: ((وَاللّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیم))(۲)؛

۳. عرش الهی: ((وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیم))(۳)؛

۴. فوز عظیم (ورود به بهشت): ((وَذَلِک الْفَوْزُ الْعَظِیمُ))(۴)؛

۵. خزی و ذلت عظیم (دخول در جهنم): ((ذَلِک الْخِزْیُ الْعَظِیمُ))(۵)؛

۱- بقره(۲)، آیه ۲۵۵.

۲- بقره (۲)، آیه ۱۰۵.

۳- توبه (۹)، آیه ۱۲۹.

۴- نساء (۴)، آیه ۱۳.

۵- توبه (۹)، آیه ۶۳.

۱. قیامت و عذاب آن: ((عَذَابَ یَوْمٍ عَظِیمٍ))(۱)؛

۲. قرآن: ((وَلَقَدْ آتَیْنَاکَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِی وَالْقُرْآنَ الْعَظِیمَ))(۲)؛ «همانا ما به تو هفت آیه از مثانی و قرآن عظیم را دادیم». حتی در چند جای قرآن بدان قسم یاد کرده است:

((یس وَالْقُرْآنِ الْحَکیمِ))(۳)؛

((ص وَالْقُرْآنِ ذِی الذِّکرِ))(۴)؛

((حم وَالْکتَابِ الْمُبِینِ))(۵)؛

((ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِیدِ))(۶)؛

۷. «وَ رَبَّ الْمَلائِکهِ الْمُقَرَّبِینَ وَ الْاَنْبِیَاءِ والْمُرْسَلِینَ»؛

«و ای پروردگار فرشتگان مقرب و پیامبران و رسولان!»

۱- اعراف (۷)، آیه ۵۹.

۲- حجر (۱۵)، آیه ۸۷.

۳- یس (۳۶)، آیه ۲.

۴- ص (۳۸)، آیه ۱.

۵- زخرف (۴۳)، آیه ۲.

۶- ق (۵۰)، آیه ۱.

ملائکه از جمله کارگزاران الهی در نظام خلقت هستند که وظایفی دارند و برنامه هایی را اجرا می کنند. بعضی از ویژگی ها و مأموریت های ملائکه در قرآن عبارت است از:

۱. ملائکه پیش از انسان آفریده شده اند(۱)؛

۲. ملائکه در تعلیم برخی از علوم به مردم نقش داشته و دارند(۲)؛

۳. حمل آثار انبیاء(۳)؛

۴. واسطه ارتباط با پیامبران و انسانهای برگزیده(۴)؛

۵. نصرت مؤمنان(۵)؛

۶. لعنت و نفرین کننده بر برخی(۶)؛

۷. قبض روح انسانها(۷)؛

۸. تسبیح و تقدیس ذات اقدس حق(۸)؛

۱- ر.ک: بقره (۲)، آیه ۳۰.

۲- بقره (۲)، آیه ۱۰۲.

۳- بقره (۲)، آیه ۲۴۸.

۴- آل عمران (۳)، آیه ۳۹.

۵- آل عمران (۳)، آیه ۱۲۴.

۶- آل عمران (۳)، آیه ۸۷.

۷- نساء (۴)، آیه ۹۷.

۸- نساء (۴)، آیه ۹۷.

۱. سلام بر بهشتیان(۱)؛

۲. رسول الهی برای پیامبران(۲)؛

۳. درود فرستنده بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (۳)؛

۴. درود فرستنده بر مؤمنان(۴)؛

۵. نزول بر مؤمنان با استقامت(۵)؛

۶. مأموران عذاب دوزخ(۶)؛

۷. ثبت و حفظ اعمال(۷)؛

۸. حاملان عرش الهی(۸)؛

۹. حافظان انسانها(۹)؛

ملائکه مقرب

ملائکه دارای مراتب و درجاتی هستند که مشخص و معین است:

۱- رعد (۱۳)، آیه ۲۳.

۲- نحل (۱۶)، آیه ۲.

۳- احزاب (۳۳)، آیه ۵۶.

۴- احزاب (۳۳)، آیه ۴۳.

۵- فصلت (۴۱)، آیه ۳۰.

۶- تحریم (۶۶)، آیه ۶.

۷- ق (۵۰)، آیه ۱۸؛ انفطار (۸۲)، آیه ۱۰.

۸- حاقه (۶۹)، آیه ۱۷.

۹- انعام (۶)، آیه ۶۱.

((وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ))(۱)؛

«و نیست از ما جز آن که برای او مقامی معلوم و مشخص است».

دسته ا ی از این فرشتگان دارای قرب بیشتری به حضرت حق هستند که به آنها فرشتگان مقرب گفته می شود؛ از جمله آنها، حضرت جبرئیل علیه السلام میکائیل علیه السلام، اسرافیل علیه السلام و عزرائیل علیه السلام هستند.

گویا مقام فرشتگان مقرب پس از انبیای الهی قرار دارد؛ از این رو در این دعا پس از پیامبران از آنان یاد شده است.

[

۸. «اللَّهُمَّ إِنِّی اَسْأَلُك بِوَجْهِك الْكَرِیمِ»؛

«بار خدایا! از تو درخواست می کنم به حق روی بزرگوار و بخشنده ات!»

کریم، یعنی بزرگوار، با کرامت و بخشنده؛ «وجه» به معنای صورت است؛ ولی خداوند مبرّا از جسم و عضو است. بنابراین مقصود از«وجه

۱- صافات (۳۷)، آیه ۱۶۴.

کریم» عمومیت رحمت و کرامت الهی است که بر غضب او تقدم دارد.

«وجه کریم» رویکرد کریمانه خداوند به مخلوقات است که در این فراز از دعا، خداوند را به آن کرم و بزرگواری گسترده می خوانیم.

[

۹. «وَ بِنُورِ وَجْهِکَ الْمُنِیرِ»؛

«و از تو در خواست می کنم به حق نور وجه روشنایی بخش تو!»

نور خود روشن است و روشنی بخش نیز می باشد. خداوند نور هستی است: ((اَللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ))(۱).

آنچه که در هستی نمود و بودی دارد همه از فیض وجود خداوند سرچشمه می گیرد.

آری، خداوند هم نور است و هم«منیر» است. آنچه که از دیار عدم پا به عرصه وجود گذاشته همه به لطف وجه«منیر» ذات انور خداوند است.

درجات نور

ص:۳۱

۱- نور (۲۴)، آیه ۳۵.

همان گونه که نور طبیعی دارای مراتب است و از تشعشع کرم شب تاب، تا خورشید جهان افروز، همه درجات نورند؛ موجودات نیز بر اساس میزان دریافت هستی و نور وجود از سرچشمه جود، در درجات مختلفی قرار دارند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در بالاترین درجات این نور قرار دارد:

((إِنَّا اَرْسَلْنَاك شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُّنِيرًا))(۱)؛

«ای پیامبر ما تو را شاهد و بشارت و بیم دهنده و دعوت کننده به خداوند وچراغ روشنایی بخش قرار دادیم».

بنابراین مراد از «وجه منیر»، می تواند تجلی نور هدایت الهی در پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیای آن حضرت باشد.

[

۱۰. «وَ مُلْكك الْقَدِيمِ»؛

«و تو را می خوانم به حق فرمانروایی ازلی تو!»

۱- احزاب (۳۳)، آیه ۴۵ و ۴۶.

«مُلک» به معنای فرمانروایی و «مِلک» به معنای مالکیت است.

«قـدیم»؛ یعنی، بـدون سابقه عـدم و نیستی. بنابراین«ملک قدیم» یعنی آن فرمانروایی تو که همواره بوده است وهیچ سابقه عدم ونیستی ندارد.

[

۱۱. «یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ»؛

«ای زنده و ای پابرجا!»

«حی» از نام ها و صفات ذات اقدس خداوند است. او«زنده» است و هیچ کاستی و نیستی در او راه ندارد.

«قیوم» مبالغه«قائم» است؛ یعنی، بر پای به تمام معنا و همه جانبه که برپایی همه موجودات به او است.

توضیح آنکه ممکن است کسی ایستاده (قائم) باشد؛ ولی چشمانش بسته و یا حواسش پرت و... باشد. اما خداوند «قیوم» است؛ یعنی، به تمام صفات خود قائم است و هیچ یک از صفات او راکد و غایب نیست.

در آیهالکرسی آمده است:

((الْحَیُّ الْقَیُّومُ لاَ تَأْخُذُهُ سِنَهٌ وَلاَ نَوْمٌ...یَعْلَمُ مَا بَیْنَ اَیْدِیهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ))(۱)؛

«او حی قیوم است که هیچ چرت و خوابی او را فرا نمی گیرد، و بر همه چیز آگاه است.»

ای همه هستی زتو پیدا شده

خاک ضعیف از تو توانا شده

[

۱۲. «اَسْاَلُک بِاسْمِک الَّذِی أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَ الْاَرَضُونَ»؛

«از تو می طلبم به حق آن نامی که آسمان ها و زمین ها به واسطه آن تجلّی و درخشش یافت».

اسمای حسنای خداوند

خداوند دارای نام های بیشمار است: ((اَیًّا مَّا تَدْعُواْ فَلَهُ الأَسْمَاءُ الْحُسْنَی))(۲)؛ «هر چه او را بخوانی، برای او نام های نیک هست».

اسم معرف مسما است. وقتی نام کسی یا چیزی را می بریم یا می شنویم، از این راه به«مسما» منتقل می شویم. نام های خداوند _ که

۱- بقره (۲)، آیه ۲۵۵.

۲- اسراء (۱۷)، آیه ۱۱۰.

اوصاف اویند _ نیز ما را به ذات اقدس او هدایت می کنند.

اسمای خداوند، دارای مراتبی است که از آن به کتبی، ظلی و عینی یاد می کنند.

انسان کامل، اسم عینی خداوند است. در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است: وَاللّهِ نحن الاَسْمَاءُ الْحُسْنَی(۱)؛ «قسم به خداوند ما نام های نیکوی خداوند هستیم».

وجود مقدس بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز اسم عینی خداوند است. بر این مبنا چون وجود«انسان کامل» و ولیّ خدا غایت آفرینش است، معنای جمله«أشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالأرَضُونَ» انسان های کاملی هستندکه خداوند آسمان و زمین را به جهت حضور یافتن آنان آفریده است.

برای مثال در مزرعه ای، هزاران نوع گیاه رشد کرده و صدها پرنده و جونده و حشره در آن زندگی می کنند چند درخت پر ثمر نیز در آن مزرعه وجود دارد.

۱- بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۵.

اگر از زارع بپرسیم که: به چه جهت مزرعه را آب می دهید و از آن مراقبت می کنید، حال آنکه هزاران گیاه هرز و صدها حیوان و حشره از آن بهره می برند؛ می گوید: من به خاطر آن چند درخت با ثمر مزرعه را آبیاری می کنم. خداوند جهان، را به جهت حضور و وجود انسان های کامل نگاه می دارد؛ چه اینکه بدون آنان، آفرینش فاقد غایت است.

بنابراین به سبب ایشان است که خداوند آفرینش را بر پا داشته است.

[

۱۳. «وَ بِاسْمِكَ الَّذِی یَصْلَحُ بِهِ الاَوَّلُونَ وَ الْاخِرُونَ»؛

«و به حق نام تو که اولین و آخرین (همه خلایق) به سبب آن شایسته می شوند».

پیش تر گذشت که، نام های خداوند مراتبی دارد که از جمله آنها «اسم عینی» است پیامبران و حجت های الهی«اسم عینی» خداوند هستند.

ص:۳۶

سلسله علل خلقت بشر، بدون وجود انبیا و اوصیای الهی تمام نیست و با حضور و وجود آنان است که اولین و آخرین خلایق، وجودشان روا و شایستگی می یابد. به ویژه وجود مقدس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که با تشکیل دادن حکومت عدل جهانی و پیاده سازی آرمانهای الهی قله کمال تاریخی بشر را به نمایش خواهد گذاشت و با انجام دادن این مأموریت بزرگ است که آفرینش شایسته و روا می گردد.

[

۱۴. «یَا حَیّاً قَبْلَ کلِّ حَیٍّ»؛

«ای زنده پیش از هر زنده!»

[

۱۵. «وَ یَا حَیّاً بَعْدَ کلِّ حَیٍّ»؛

«و ای زنده پس از هر زنده!»

[

۱۶. «وَ یَا حَیّاً حِینَ لا حَیَّ»؛

«و ای زنده آن هنگام که هیچ زنده ای نیست!»

ص:۳۷

خداونـد متعال علت همه علت ها و پدیـد آوردنـده همه موجودات است و بر همه آنها تقـدم دارد؛ حال چه تقـدم زمانی (بنابر گفته متکلمین) و چه تقدم ذاتی (بنا بر نظر فیلسوفان). وانگهی معلول در هیچ شرایطی نه بر علت خود تقدم دارد و نه می تواند از آن جـدا و منفـک گردد. بنـابراین علت پدیـد آورنـده هم بر معلول تقـدم دارد و هم تأخر؛ هم پیش از آن و هم پس از آن حضور و وجود دارد.

همچنین تمامی موجودات از آن جهت که ممکن هستند و از خود وجودی ندارند «لا حیّ» هستند (یعنی حیات مستقل و قیومی از خود ندارند). تنها موجودی که «حیّ قیوم» است، خداوند است. بنابراین او زنده حقیقی است و دیگران وابسته به او هستند.

البته ممکن است این جمله اشـاره به «نفـخ صور» و مردن همه موجودات باشـد: ((وَيَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ

ص:۳۸

إِلَّا مَن شَاء اللَّهُ وَكلّ اَتَوْهُ دَاخِرِينَ))(۱).

به هر حال حیات حقیقی از او است و او زنده ای است که با از میان رفتن و مردن همه موجودات، همچنان زنده و پا برجا است.

[

۱۷. «یَا مُحْیِی الْمَوْتَی وَ مُمِیتَ الاَحْیَاء»؛

«ای حیات بخش مردگان و ای میراننده زندگان!»

چرخه حیات در این عالم با گردش مرگ و زندگی برپاست. همواره موجودات زنده ای می میرند و موجوداتی زنده می شوند. انسان ها، حیوانات، حشرات، گیاهان، موجودات ذره بینی و... جملگی در این سیر قرار دارند:

((یُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَیِّتِ مِنَ الْحَیِّ))(۲).

«خداوند زنده را از مرده و مرده را از زنده خارج

می سازد»؛

ص:۳۹

۱- نمل (۲۷)، آیه ۸۷.

۲- انعام (۶)، آیه ۹۵.

مراتب و درجات حیات و مرگ

حیات و مرگ دارای مراتب و مراحلی است حیات نباتی، حیات حیوانی و حیات انسانی همگی حیات هستند؛ ولی در مراتب مختلف قرار دارند.

همچنین حیات دارای مرتبه مادی و معنوی است. ایمان به خداوند و اعتقادات حق، حیات معنوی است و خود دارای درجات متعدد است.

قرآن مجید کافر لجوج و تذکر ناپذیر را مرده

می خواند: ((فَإِنَّک لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَی وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاء))(۱)؛

و مؤمن را زنده و دارای حیات ویژه می داند:

((اسْتَجِيبُواْ لِلّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكم لِمَا يُحْيِيكمْ))(۲)؛

«پاسخ خدا و رسول را بدهید آن هنگام که شما را فرا می خوانند به چیزی که شما را زنده می کند».

مرده یا زنده بودن دلها به دست خداوند است. البته این خود انسان است که زمینه را

۱- نمل (۲۷)، آیه ۸۰.

۲- انفال (۸)، آیه ۲۴.

برای آن فراهم می سازد. درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است:

«وَاعمُرِ اللهُمَ بِهِ بِلادَ ک»(1)؛ «خداوندا به واسطه او سرزمین های خود را آباد ساز».

آری بدون هدایت و عدل الهی، جامعه مرده و فاقد حیات واقعی است.

[

۱۸. «يَا حَيُّ لا إِلَهَ إِلّا اَنْتَ»؛

«ای زنده! نیست معبودی مگر تو!»

در جملات قبل خداوند با صفت «حی» خوانده و در این جمله به وحدانیت توصیف شده است، یعنی ای زنده به تمام معنا و از جمیع جهات، که نیستی هیچ راهی به تو ندارد و از این رو تنها تو سزاواری که معبود باشی و جز تو هیچ کس و هیچ چیز نمی تواند در این رتبه قرار گیرد.

[

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۵.

۱۹. «اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلاَنَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِك صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ»؛

«بار خدایا: به مولای ما آن امام هدایتگر هدایت شده که بر پای به امر و کار تو است [درود و سلام] برسان!»

در این جمله از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با چند ویژگی یاد شده است:

۱. «مولا»: ولی و سرپرست و کسی که امور دیگران را بر عهده دارد؛

۲. «الامام»: پیشوا و راهنما؛

۳. «الهادی»: هدایت کننده؛

۴. «المهدی»: هدایت شده؛

۵. «القائم»: ایستاده و کسی که برای کاری مهیا و برپاست.

ویژگی های مدیر کار آمد

یک مدیر زمانی کار آمد است که:

۱. دارای علم و آگاهی کامل نسبت به حیطه کار خود باشد.

۱. بتواند دیگران را در مسیر برنامه خود هدایت کرده و به کار گیرد.

۲. در کار خود جدیت داشته باشد و هیچ فرصتی را از دست ندهد.

۳. در صحنه عمل، پیشرو و در کار حضوری پیشتازانه داشته باشد. چنین مدیریتی است که در کار خود توفیق پیدا می کند.

ویژگی هایی که برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در این فقره از دعا ذکر شده، خصوصیاتی است که برای پیشوا ضروری است. هدایت شدگی و هدایتگری و حاضر و آماده بودن برای عمل، صفاتی است که آن حضرت را در مرتبت امامت و ولایت قرار داده است.

نکته قابل توجه اینکه: این صفات مربوط به آینده حضرت نیست؛ بلکه هم اکنون نیز او «هادی» و«قائم به امر» است.

او هم دستگیرمشتاقان وجذب کننده دل های آنان است و هم اموری که از ناحیه حضرت حق به آن حضرت محول می شود، انجام می دهد.

ص:۴۳

آری، او اگر چه از نظر ها پنهان است؛ ولی از حضور در صحنه هدایت و قیام به وظایف غایب نیست.

توصیف آن حضرت به«قائم» گویای حضور فعال آن حضرت، در صحنه هدایت و سایر امور است.

[

۲۰. «عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا»؛

«خدایا! از جانب همه مردان و زنان مؤمن سراسر زمین ــ مشرق و مغرب ها ــ از سرزمین های هموار و کوهستانی و خشکی و دریا [بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف درود فرست]!»

محور وحدت مؤمنان

وحدت و همدلی، نیازمند محور مشترک است. محور پیوند مؤمنان سراسر عالم در هر سرزمینی که هستند، وجود مقدس حضرت است. در این فقره از دعا از خداوند می خواهیم

که از جانب همه مؤمنان مشتاق امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بر آن حضرت درود بفرستد.

[

۲۱. «وَ عَنِّی وَ عَنْ وَالِدَیَّ مِنَ الصَّلَوَاتِ»؛

«و از خودم و از جانب پدر و مادرم بر آن حضرت درود فرست!»

پـدر و مادر حق بسـیار بزرگی بر گردن فرزنـد دارنـد و با وجود آنکه «جمیع المؤمنین» در فقره قبل شامل آنان می شد، مجدداً آن دو را یاد می کنیم. و از جانب آنان به صورت ویژه برای حضرت درخواست درود می کنیم.

پـدران و مـادران علاوه بر حق تکوینی که بر فرزنـدان دارنـد، نقش اساسـی در ایمان و عقایـد و رفتار فرزنـدان ایفا می کننـد. فرزنـدان دین خود را غالباً از آنان فراگیرند. بنابراین از این جهت نیز (در صورتی که فرزند را به عقاید حق و رفتار صـحیح فرا بخوانند) حق فزونتری بر فرزندان پیدا می کنند.

ص:۴۵

از این رو سزاوار است که فرزندان در هر کار خیری آنان را یاد کرده و در کارهای نیک خود آنان را شریک گردانند.

قرآن مجید بارها از زبان انبیاء، دعا در حق پدر و مادر را ذکر کرده است تا بر این سیره نیکو تأکید فرماید:

((رَبِّ اغْفِرْ لِی وَلِوَالِدَیَّ))(۱)؛ ((وَقُل رَّبِّ ارْحَمْهُمَا))(۲).

صلوات چیست؟

به نظر می رسد«صلوات» نقطه مقابل«لعنت» باشد. «لعن» به معنای دوری از رحمت الهی و «صلوات» درخواست فزونی رحمت و ارتقای مقام است.

خداوند و فرشتگان او بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درود می فرستند:

((إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ))(۳)؛

«همانا خداوند وفرشتگانش برپیامبر درود می فرستند».

ص:۴۶

۱- ابراهیم (۱۴)، آیه ۴۱؛ نوح (۷۱)، آیه ۲۸.
۲- اسراء (۱۷)، آیه ۲۴.
۳- احزاب (۳۳)، آیه ۵۶.

همچنین خداوند و فرشتگان بر مؤمنان درود می فرستند.

((هُوَ الَّذِی یُصَلِّی عَلَیْکمْ وَمَلَائِکتُهُ لِیُخْرِجَکم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَی النُّورِ))(۱)؛

«او است که بر شما درود می فرستد و ملائکه او نیز بر شما درود می فرستند تا شما را از ظلمت ها به نور هدایت کنند».

فواید صلوات

صلوات از جانب خداوند افاضه رحمت است و از سوی ملائکه و انسان ها در خواست رحمت خداوند برای پیامبر و آل اوست.

دراین صورت آیا صلوات برای ما هم فایده ای در بر دارد؟

در پاسخ گفتنی است یاد خداوند، موجب یاد او از بنده می گردد: ((فَاذْکرُونِی أَذْکرْکمْ))(۲).

البته نه اینکه خداوند کسی را فراموش کرده باشد و سپس یاد کرد بنده از او، او را به یاد بیاورد!! بلکه یاد خدا از بنده؛ یعنی، ریزش

۱- احزاب (۳۳)، آیه ۴۳.

۲- بقره (۲)، آیه ۱۵۲.

رحمت و عنایت خاص به بنده ای که خداوند را یاد می کند.

یاد اولیای خداوند ـ که مظاهر اسمای

الهی اند ـ نیز این چنین است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«مَنْ صَلّی عَلَی النَبِیِّ صَلاهً واحِدَهً صَلَّی اللهُ عَلَیهِ اَلْفَ صَلاهٍ(۱)»؛

«کسی که بر پیامبر یک درود بفرستد، خداوند بر او هزار بار درود می فرستد».

بنابراین یاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آل او، بویژه وجود مقدس حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف موجب یاد کرد خداوند از بنده و افاضه رحمت به او است.

[

۲۲. «زِنَهَ عَرْشِ اللهِ»؛

«معادل عرش الهی!»

در بین مخلوقات خداوند، عظیم ترین موجود عرش الهی است.

((رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ))(۲)؛ «او پروردگار عرش عظیم است».

۱- کافی، ج ۲، ص ۴۹۲.

۲- مؤمنون (۲۳)، آیه ۸۶.

از آیات قرآن چنین برمی آید که عرش، مرکز تدبیر عالم است:

((ثُمَّ اسْتَوَی عَلَی الْعَرْشِ یُدَبِّرُ الأَمْرَ))(1)؛

«سپس او برعرش استیلایافت[و]تدبیر می کند کار را».

((الَّذِینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ))(2)؛

«ملائکه الهی حاملان عرش پروردگارند».

عظمت عرش الهی

بزرگی بر چند گونه است:

بزرگی مادی و جسمی؛ مانند عظمت این عالم که علاوه بر جنبه های شگفت دیگر، از وسعت مادی نیز برخوردار است.

عظمت جایگاه و نقش؛ ممکن است چیزی از نظر جسمی بزرگ نباشد، ولی از نظر تأثیر و نقش بسیار مهم باشد. مغز انسان از نظر حجم بیشتر از چند درصد وزن انسان نیست؛ ولی رتبه و جایگاه آن با هیچ عضو دیگر قابل مقایسه نیست.

۱- یونس (۱۰)، ایه ۳.

۲- غافر (۴۰)، آیه ۷.

در یک دستگاه کامپیوتر قسمت پردازنده قسمت کوچکی از مجموعه را تشکیل می دهد؛ ولی جایگاه و ارزش آن با قسمت های دیگر کاملا متفاوت است.

بنابر روایاتی چند، عرش الهی از کرسی بزرگ تر است؛ ولی بزرگی صرفاً به حجم نیست، گاه چیزی از نظر حجم کوچک؛ ولی از نظر نقش و تأثیر، بسیار بزرگ و با اهمیت است.

امام هشتم علیه السلام درباره عرش الهی فرمود:

«اَلعَرْشُ اِسْمُ عَلَمٍ وَقُدرَهٍ وَعَرشٍ فیهِ کلُّ شَیءٍ(۱)»؛

«عرش نام علم و قدرت است و عرشی که در آن هر چیزی هست».

از امام صادق علیه السلام نیز چنین نقل شده است:

«اَلعَرْشُ اَلعِلمُ»؛ «عرش علم است»(۲)

در برخی روایات از به جنبش درآمدن عرش در اثر برخی اعمال سخن به میان آمده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

«اِذا بَکی الیَتیمُ اِهتَزَّ لَهُ العَرْشُ»؛

۱- کافی، ج ۱، ص ۱۳۱.

۲- کافی، ج ۱، ص ۱۳۳.

«زمانی که یتیم بگرید، عرش به جنبش در می آید»(۱).

در روایت دیگری از امام موسی بن جعفر علیه السلام آمده است:

«مَنْ دَعا لِاَخیهِ بِظَهرِ الغَیبِ نُودِیَ مِنَ العَرْشِ: وَ لَکَ مِأهُ الفِ ضِعْفٍ»(۲)؛

«کسی که به برادر دینی خود، پنهانی دعا کند از جانب عرش الهی به او ندا داده می شود که برای تو صد هزار برابر آن دعا منظور شده است».

از این روایات چنین برمی آید که عرش، محل انعکاس اعمال است.

در مجموعه روایات، از ارکان عرش، دل عرش، مربع بودن عرش، جهات عرش، سایبان عرش، نوشته های عرش، حاملان عرش وگنج های عرش سخن به میان آمده است.

در برخی روایات، عرش معدن رزق دانسته شده و فلسفه دست برداشتن به دعا به سوی آسمان، به جهت وجود عرش الهی در آسمان دانسته شده است(۳).

۱- فقیه، ج ۱، ص ۱۸۹.

۲- کافی، ج ۲، ص ۵۰۸.

۳- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۸.

خلاصه بحث

با توجه به آنچه در قرآن مجید و احادیث شریف درباره عرش آمده است، باید گفت: توصیف عظمت و آنچه مربوط به عرش است، خارج از توان بشر است و تنها با اتکا به وحی خبرهایی از آن در دست دارد.

معنای درود بر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم وزن عرش الهی، توصیف آن به بزرگترین صورت ممکن است.

[

۲۳. «وَ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ»؛

«و به اندازه مرکبی که کلمات او با آن نوشته شود!»

کلمات پروردگار دو گونه است:

الفاظی که در قرآن و دیگر کتاب های الهی آمده و آنچه که در علم پروردگار است.

موجودات مختلف که هر کدام بدان جهت که دال بر عظمت و قدرت پروردگارند، کلمه او به شمار می روند. کلمات پروردگار بیشمار است چون علم و خلقت او نامتناهی است.

ص:۵۲

((قُل لَّوْ كانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِّكلِمَاتِ رَبِّی لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَن تَنفَدَ كلِمَاتُ رَبِّی وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا))(1)؛ «بگو اگر دریا مرکب برای نوشتن کلمات پروردگارم باشد، همانا دریا پایان می پذیرد، قبل از آنکه کلمات پروردگارم به آخر برسد و اگر چه همانند آن دریا را برای نوشتن بیاوریم».

[

۲۴. «وَ مَا اَحْصَاهُ عِلْمُهُ».

«و آنچه که علم پروردگار آنها را به شمارش در آورده است».

[

۲۵. «وَ اَحَاطَ بِهِ كتَابُهُ».

«و آنچه که کتاب پروردگار بر آن احاطه دارد».

تمام این جملات جهت تأکید بر گستردگی درخواست درود بر حضرت است.

کتاب پروردگار ــ چه لوح محفوظ باشد و چه مراتب دیگر ــ مشتمل بر همه چیز است:

ص:۵۳

۱- کهف (۱۸)، آیه ۱۰۹.

((وَلاَ رَطْبٍ وَلاَ يَابِسٍ إِلاَّ فِى كتَابٍ مُّبِينٍ))(۱)؛

«و هیچ تر و خشکی نیست، مگر آنکه در کتابی روشن است».

این مقـدار تأکید بر تعداد درود بر حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف نشان از عظمت مقام و ظرفیت شـگفت انگیز آن حضرت برای دریافت رحمت الهی دارد. چه اینکه امام مظهر تام اسمای الهی و حامل علم او است. در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«و خُزّانَ العِلمِ»(۲)، «...مَحَالِّ مَعرِفَهِ اللّهِ»(۳)، «...مَساکنِ بَرَکهِ اللهِ»(۴) و «عیبه علمه»(۵).

[

۲۶. «اللَّهُمَّ إِنِّی اُجَدِّدُ لَهُ فِی صَبِیحَهِ یَوْمِی هَذَا وَ

ص:۵۴

۱- انعام (۶)، آیه ۵۹.

۲- زیارت جامعه کبیره.

۳- زیارت جامعه کبیره.

۴- زیارت جامعه کبیره.

۵- زیارت جامعه کبیره.

مَا عِشْتُ مِنْ اَیَّامِی عَهْداً وَ عَقْداً وَ بَیْعَهً لَهُ فِی عُنُقِی»؛

«بار خدایا: من در صبحگاه امروز و هر روز ــ تا زمانی که زنده ام ــ تجدید می کنم عهد و عقد و بیعت را بر گردنم!»

عهد: از جمله معانی «عهد» اقرار و اعتراف است: «اعهد الیك ای اقر و اعترف»(1).

عقد نیز به معنای پیمان جهت حتمی شدن قرار داد و یا اطاعت است(2).

کاربرد این سه کلمه، اشاره به تعهد و قرار همه جانبه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در محضر الهی به آن متعهد می شویم. این پیمان هم قلبی است (عهد) و هم بر آن تأکید می شود (عقد) و هم بر اطاعت و انقیاد از آن حضرت تصریح می شود (بیعت) است.

[

ص:55

1- مجمع البحرین، ماده عهد.

2- لسان العرب، ماده بیع.

۲۷. «لا اَحُولُ عَنْهَا وَ لا اَزُولُ اَبَداً»؛

«از آن پیمان بر نمی گردم و هیچگاه از پا نمی نشینم!»

«حول» به معنای گردش و از حالی به حال دیگر شدن است. «زوال» رو به اضمحلال و سکوت و سکون رفتن است.

معنـای دو جمله آن است که: من در مسـیر این عهـد و پیمان، نه دچار دگرگونی می شوم که از درون تغییر کنم و نه به جهت سختی ها و شرایط بیرونی سست می شوم و از حرکت باز می ایستم.

ارزش وفای به عهد

وفای به عهد، از جمله ویژگی های مؤمنان است: ((وَالَّذِینَ هُمْ لِاَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ))(۱).

در قرآن مجید بارها از وفا کنندگان به عهد، تمجید و عهدشکنان مورد انتقاد و توبیخ قرار گرفته اند:

ص:۵۶

۱- مؤمنون (۲۳)، آیه ۸.

((الَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِن بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا اَمَرَ اللَّهُ بِهِ اَن يُوصَلَ))(۱).

پیمان شکنی موجب لعنت الهی دانسته شده است: ((فَبِمَا نَقْضِهِم مِّيثَاقَهُمْ لَعنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ

قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ))(۲)؛ پیمان و بیعت با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در حقیقت پیمان و بیعت با خداوند است.

در بیعت رضوان، مسلمانان در حدیبیه و در شرایط سخت و خطرناک با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیمان بستند، پس از آن پیمان از جانب خداوند این آیه نازل شد:

((إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَك إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ))(۳)؛

«کسانی که با تو بیعت کردند، بدون تردید با خداوند بیعت کردند».

بیعت با ولیّ الهی در روی زمین، بیعت با خداوند است. البته به همان میزان که بیعت با

۱- رعد (۱۳)، آیه ۲۵.

۲- مائده (۵)، آیه ۱۳.

۳- فتح (۴۸)، آیه ۱۰.

ولیّ خداوند ارزشمند و وفای به آن ضروری

است؛ نقض و تخلّف از عهد و پیمان، پیامدی سخت و فرجامی ناپسند در بردارد.

هر مقـدار که طرف عهـد و پیمـان مقتـدرتر، نیرومنـدتر و عظیم تر باشـد، گناه نقض پیمان با او نیز بزرگ تر است. اگر در این دعای شـریف، در محضـر الهی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عهد و پیمان می بندیم و بر آن تأکید می کنیم؛ باید مراقب باشـیم تـا مبـادا مصـداق این آیه شویم که: ((یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنـدَ اللَّهِ أَن تَقُولُوا مَا لاتَفْعَلُونَ))(۱)؛

«ای اهـل ایمـان! چرا چیزهایی می گوییـد که خود عمل نمی کنیـد؟ نزد خداونـد خشم بزرگی است که بگوییـد آنچه را عمل نمی کنید».

[

۲۸. «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی مِنْ اَنْصَارِهِ وَ اَعْوَانِهِ»؛

ص:۵۸

۱- صف (۶۱)، آیه ۲ و ۳.

«بار خدایا: مرا از یاوران و کمک دهندگان او قرار بده!»

ناصر کسی است که با تمام وجود، در یاری پیشوای خود بکوشد و همواره در صدد باشد که از راه های ممکن، امام خود را یاری برساند.

«عوان» کسی که در کارها به کسی کمک کند. «ناصر» و «عوان» گرچه معنایی نزدیک به هم دارند؛ ولی نصرت معنای وسیع تری دارد.

«نصرت» یاری گسترده و همه جانبه است و «عوان» پشتیبانی موردی و مقطعی است.

[

۲۹. «وَ الذَّابِّينَ عَنْهُ»؛

«و از دفع کنندگان از او باشم!»

«ذبّ» به معنای«دفع» است؛ یعنی، خدایا! مرا از مدافعان آن حضرت قرار بده.

دفاع کردن از شخص، ابعاد مختلفی دارد؛ گاه بایستی دشمن را از او دور کرد و گاه باید به دفاع از اندیشه او پرداخت و به هجومی که علیه تفکر او صورت می گیرد، پاسخ داد.

بنابراین، دفاع گاه از شخص است و گاه از فکر؛ گاه در عرصه سیاست و گاه در عرصه

اقتصـاد و البته کسـی که می خواهـد از امـام خویش دفـاع کنـد، بایستی روش های هجوم دشـمن را بشـناسد، تا بتوانـد به دفاع مناسب اقدام نماید.

[

۳۰. «وَ الْمُسَارِعِینَ إِلَیْهِ فِی قَضَاءِ حَوَائِجِهِ»؛

«و از کسانی باشم که در بر آوردن خواسته های او شتاب ورزم!»

نه تنها از خدا می خواهیم که ما را از مدافعان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار دهد؛ بلکه از او

می طلبیم که ما را از کسانی قرار دهد که در برآوردن خواسته های آن حضرت، بر دیگران پیشی بگیریم.

نصرت خداوند

خداوند حتما دین و ولیّ خود را یاری خواهد کرد:

((کَتَبَ اللَّهُ لَاَغْلِبَنَّ اَنَا وَرُسُلِی))(۱)؛ «لازم کرده است خداوندکه حتماً من ورسولانم غالب خواهیم گشت».

در این مسیر عده ای این توفیق را می یابند که یاور خدا و ولیّ او باشند هر کس در این مسیر باز بماند، دیگری جای او را خواهد گرفت.

((فَسَوْفَ یَأْتِی اللّهُ بِقَوْمٍ یُحِبُّهُمْ وَیُحِبُّونَهُ))(۲)؛

«به زودی خداوند مردمی را به صحنه می آورد که آنها را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند».

پس در یاری آن حضرت باید شتاب کرد و بر دیگران سبقت گرفت: مبادا از این فیض بزرگ محروم بمانیم!

[

۳۱. «وَ الْمُمْتَثِلِینَ لِاَوَامِرِهِ وَ الْمُحَامِینَ عَنْهُ»؛

«و مرا از کسانی قرارده که از فرمان های او اطاعت و از او حمایت و دفاع کنم».

۱- مجادله (۵۸)، آیه ۲۱.

۲- مائده (۵)، آیه ۵۴.

مهم ترین عنصر در یاری و دفاع از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، اطاعت از فرمان های آن حضرت است: چه اینکه اگر اطاعت در کار نباشد، اهداف آن حضرت محقق نشده و ادعاها گفتاری پوچ خواهد بود.

سؤال: آیا دفاع و اطاعت از حضرت در زمان غیبت کبری ممکن است؟

پاسخ: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گرچه در پس پرده غیبت است؛ ولی هم دفاع از آن حضرت میسر است و هم اطاعت کسی که از عقیده امامت ـ بویژه امامت حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف ـ دفاع می کند و در راه نشر آن می کوشد، در حقیقت مدافع حضرت و یاری کننده او است.

همچنین کسی که از فرمان های قرآن و اهل بیت عجل الله تعالی فرجه الشریف اطاعت می کند. از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اطاعت کرده است.

[

۳۲. «السَّابِقِینَ إِلَی إِرَادَتِهِ»؛

«و ما را از پیشی گیرندگان به انجام خواسته او قرار ده!»

ص:۶۲

پیشی گرفتن بر دیگران در کارهایی ناپسند شمرده شده و در اموری پسندیده دانسته شده است. سبقت برای گناه و به دست آوردن دنیا ناپسند است؛ ولی شتاب برای امور خیر، پسندیده و بر آن تأکید شده است:

((إِنَّ الَّذِینَ هُم مِّنْ خَشْیَهِ رَبِّهِم مُّشْفِقُونَ وَالَّذِینَ هُم بِآیَاتِ رَبِّهِمْ یُؤْمِنُونَ وَالَّذِینَ هُم بِرَبِّهِمْ لَا یُشْرِکونَ وَالَّذِینَ یُؤْتُونَ مَا آتَوا وَّقُلُوبُهُمْ وَجِلَهٌ أَنَّهُمْ إِلَی رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ أُوْلَئِک یُسَارِعُونَ فِی الْخَیْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ))(1)؛

«کسانی که از بیم پروردگارشان ترسانند و کسانی که به آیات پروردگارشان مؤمن هستند، و کسانی که به پروردگارشان شرک نمی ورزند و کسانی که به جا

می آوردند آنچه را انجام می دهند در حالی که دل هایشان بیمناک است، چون به جانب پروردگارشان باز می گردند، آنانند که در امور خیر شتاب می ورزند و در آن بر دیگران پیشی می گیرند».

آری کسانی در قله ایمان و کمال قرار دارند که در انجام خواسته ولیّ خود درنگ نمی ورزند؛

۱- مؤمنون (۲۳)، آیه ۵۷-۶۱.

بلکه سعی بر آن دارند که از دیگران در تحقق خواسته مولای خود سبقت بگیرند.

[

۳۳. «وَ الْمُسْتَشْهَدِینَ بَیْنَ یَدَیْهِ»؛

«و مرا از جمله کسانی قرار ده که در برابر او شهادت را در آغوش کشم!»

شهادت منزلتی است بسیار بزرگ که معدودی از امت اسلام، به آن راه می یابند. تعدادی از این شهیدان در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام به شهادت رسیده اند.

روشن است که شهادت در کنار امام علیه السلام با دیگر صحنه ها تفاوتی آشکار دارد.

بالاترین توفیق، درک فیض شهادت در رکاب حضرت ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ چرا که در حضور آن حضرت همه انگاره ها رخت بر بسته و چشمه زلال حقیقت خود را آشکار می سازد.

شهید در چنین صحنه ای با اطمینان و بلکه با یقین، بر گلبرگ شهادت بوسه می زند.

ص:۶۴

از دیدگاه قرآن، شهیدان حیات حقیقی دارند: ((بَلْ اَحْیَاء عِندَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ))(۱).

و به آنان نباید مرده گفت: ((وَلاَ تَقُولُواْ لِمَنْ یُقْتَلُ فِی سَبیلِ اللّهِ أَمْوَاتٌ))(۲).

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «برتر از هر نیکی، نیکی دیگری هست تا آنجا که شخص در راه خدا کشته شود که بالاتر از آن نیکی نیست»(۳).

در زیارت امام حسین علیه السلام می خوانیم:

«یالَیْتَنی کنْتُ مَعَکم فَاَفُوزَ فوزاً عَظِیماً»(۴)؛

«کاش من با شما بودم و در کنار شما به رستگاری بزرگ می رسیدم!»

پس شهادت فیض بسیار بزرگی است، اما بزرگ تر از آن این که، این فیض در محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت پذیرد.

[

۱- آل عمران (۳)، آیه ۱۶۹.

۲- بقره (۲)، آیه ۱۵۴.

۳- کافی، ج ۲، ص ۳۴۸.

۴- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۹۴.

۳۴. «اللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَیْنِی وَ بَیْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِی جَعَلْتَهُ عَلَی عِبَادِک حَتْما مَقْضِیّا فَأَخْرِجْنِی مِنْ قَبْرِی مُؤْتَزِراً کفَنِی شَاهِراً سَیْفِی مُجَرِّداً قَنَاتِی مُلَبِّیاً دَعْوَهَ الدَّاعِی فِی الْحَاضِرِ وَ الْبَادِی»؛

«بار خدایا! اگر بین من و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مرگی که آن را بربندگانت حتمی و واقع شدنی قرار داده ای، فاصله انداخت؛ مرا از قبرم خارج کن؛ در حالی که کفن بر دوش گرفته، شمشیر آخته و نیزه خود را آماده کرده ام و پاسخ دهنده دعوت کننده باشم در حضر و سفر!»

یاور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بودن

مرگ سرنوشت قطعی همه ممکنات است و بدون تردید، گریبان هر انسانی را خواهد گرفت:

((کلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَهُ الْمَوْتِ))(۱)؛

«هر کسی طعم مرگ را خواهد چشید».

ص:۶۶

۱- آل عمران (۳)، آیه ۱۸۵؛ انبیاء (۲۱)، آیه ۳۵؛ عنکبوت (۲۹)، آیه ۵۷.

پرسش: آیا با وجود در پیش بودن مرگ، می توان یاور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و در محضر آن حضرت بود؟

پاسخ: آری، رجعت ـ که از عقاید مسلم شیعه است ـ این موضوع را به روشنی حل می کند؛ چون برخی افراد دارای قابلیت می باشند، به هنگام ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از قبور بازگشته و در رکاب ایشان به مبارزه خواهند پرداخت. آیات قرآن بر امکان وقوع رجعت دلالتی روشن دارند.

زنده شدن مردگان با نفس مسیحایی حضرت عیسی علیه السلام، زنده شدن نمایندگان بنی اسرائیل در کوه طور و زنده شدن هزاران نفر در ماجرایی دیگر، همه گواه این مدعا است.

انتظار مثبت

«کفن بر دوش»، «شمشیر آخته» و «نیزه آماده»، کنایه از اوج آمادگی برای ظهور حضرت است. کفن پوش بودن، نماد سبکباری و شمشیر کشیده، نماد آمادگی رزمی و عملی برای ظهور و تحقّق بخشیدن اهداف آن است.

ص:۶۷

برخی تنها در مرحله سخن آمادگی دارند؛ ولی هنگامی که صحنه برخورد پیش آید، می گویند:

((فَاذْهَبْ اَنتَ وَرَبُّک فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ))(۱)؛

«تو و پروردگارت بروید و بجنگید ما اینجا به تماشا نشسته ایم».

برخی نیز وقتی بنای جهاد و مبارزه پیش می آید می گویند:

((لَا تَنفِرُواْ فِی الْحَرِّ))(۲)؛

«در گرما برای نبرد کوچ نمی کنیم».

خلاصه اینکه: افرادی در عین ادعا کردن، هنگام عمل با بهانه های مختلف، از درگیر شدن می گریزند. دعا کننده دراینجا ازخداوند می خواهد که توفیق آمادگی نظری و عملی به او عنایت کند تا در مسیر انتظار، تنها به گفتار بسنده نکند؛ بلکه با کمال آمادگی در صحنه وارد شود.

گروهی نیز فقط در کارهای آسان و اهداف نزدیک حاضر به همکاری هستند.

((لَوْ کانَ عَرَضًا قَرِیبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَّاتَّبَعُوک

۱- المائده (۵)، آیه ۲۴.

۲- توبه (۹)، آیه ۸۱.

وَلَـكِن بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ))(۱)؛

«اگر منفعت دنیایی نزدیک و سفر کوتاهی بود، به دنبال تو می آمدند؛ ولی راه دور و سختی بر آنان گران آمد».

در این قسمت، از خدا می خواهیم که دعوت داعی خداوند را چه در سفر و چه در حضر (یعنی چه آسان و چه دشوار) پاسخ گوییم.

[

۳۵. «اللَّهُمَّ اَرِنِی الطَّلْعَةَ الرَّشِیدَةَ»؛

«خدایا آن طلوع (درخشش) رشد آفرین را به من بنمایان!»

در روایات؛ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به آفتاب تشبیه شده است؛ چرا که با ظهورش تاریکی ظلم را زایل و نور عدل را در جهان می گستراند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«زمانی که قائم ما به پا خیزد، زمین به نور پروردگارش روشن می شود و مردم از نور خورشید بی نیاز می شوند...»(۲).

ص:۶۹

۱- توبه (۹)، آیه ۴۲.
۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰.

[

۳۶. «وَ الْغُرَّهَ الْحَمِیدَهَ»؛

«و آن سپید پیشانی ستوده را به من بنمایان!»

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن ستوده شده است و به هنگام ظهور نیز همگان او را می ستایند:

((وَلَقَدْ کَتَبْنَا فِی الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّکرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُهَا عِبَادِیَ الصَّالِحُونَ))(۱)؛

«و ما در زبور پس از ذکر نوشتیم که همانا زمین را بندگان صالح ما به میراث خواهند برد».

او بنده صالح خداوند است که بر زمین حاکم خواهد شد و دین مورد رضایت خداوند را در آن پیاده خواهد کرد.

همه انبیا علیهم السلام و اولیا انتظار قدوم او را

می کشند تا راه ناتمام آنان را به پایان برساند.

[

۳۷. «وَ اکحُلْ نَاظِرِی بِنَظْرَه مِنِّی إِلَیْهِ»؛

«خدایا! چشمانم را با نگاهی به او شفا بخش! »(۲)

۱- انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵.

۲- قال ابن سیده: «الکحل ما وضع فی العین یشتقی به (لسان العرب)».

چه خوش است صوت قرآن زتو دلربا شنیدن

به رخت نظاره کردن سخن خدا شنیدن

تردیدی نیست که هیچ چیز به اندازه ظهور حضرت و نگاه منتظران واقعی اش به او، دل ها را شفا و آلام را پایان نخواهد داد.

البته اگر پیش از ظهور نیز چنین توفیقی برای کسی حاصل گردد، بسی فرخنده و با برکت خواهد بود.

وانگهی این توفیق تنها شامل معدود افرادی خواهد شد که از هر ریا کاری و دکان داری به دور و از خلق مستورند.

[

۳۸. «وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ»؛

«خدایا! در گشایش کار او تعجیل فرما!»

مهم ترین گشایش در کار مؤمنان و برترین حادثه در جهت اصلاح امور جهان، ظهور حضرت است؛ پس دعا برای فرج او بالاترین دعاها است. در روایات آمده است:

((اَفضَلُ العِبادَهِ اِنتِظارُ الفَرَجِ))(۱)؛

«برترین عبادتها انتظار فرج است».

[

۳۹. «وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ»؛

«و خروج او را آسان فرما».

آسان شدن ظهورحضرت عواملی دارد؛ ازجمله:

۱. آمادگی فکری مردم جهان برای ظهور؛

۲. آمادگی عملی مؤمنان برای یاری حضرت؛

۳. مهیا شدن اسباب و عوامل برای ظهور.

روشن است که دعا کننده وقتی چنین درخواستی از خداوند دارد، خود را آماده چنین رخدادی می کند وسعی در محقق ساختن شرایط ظهور دارد.

[

۴۰. «وَ اَوْسِعْ مَنْهَجَهُ»؛

«وراه و مسیر او را گسترش بده!»

ظهور حضرت بدون آن که راه و روش آن حضرت گسترش یابد، میسر نیست.

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

خداونداموراین جهان را ازطریق اسباب به پیش می برد و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز اسبابی دارد که بدون آن ظهور، صورت نمی پذیرد.

از جمله آن اسباب گسترش اندیشه و تفکر مهدویت و نگاه به آسمان برای رفع مشکلات حاد جوامع بشری و پایان بخشیدن به ظلم و تباهی است.

[

۴۱. «وَ اسْلُکْ بِی مَحَجَّتَهُ»؛

«و مرا در مسیر دریافت حجت ها و راهنمایی های او قرار ده!»

از جمله وظایف امام معصوم علیه السلام هدایت افراد مستعد است.

((وَجَعَلْنَاهُمْ اَئِمَّهً یَهْدُونَ بِاَمْرِنَا))(۱)؛

«و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که مردم را به امر ما هدایت کنند».

علامه طباطبائی در تفسیرالمیزان می نویسد: و این معنا (هدایت به امر) یک نوع تصرف تکوینی در نفوس است که با آن تصرف، راه را برای بردن

۱- انبیاء (۲۱)، آیه ۷۳.

دل ها به سوی کمال و انتقال دادن آنها از موقفی به موقفی بالاتر هموار می سازد... هـدایت به امر از فیوضات معنوی ومقامات باطنی است که مؤمنان به وسیله عمل صالح به سوی آن هدایت می شوند(۱).

[

۴۲. «وَ اَنْفِذْ اَمْرَهُ»؛

«و کار و مأموریت او را تنفیذ کن!»

چـون علـم به زمـان ظهـور، مختص ذات اقـدس پروردگـار است و به اذن او صـورت خواهـد گرفت؛ در اینجـا از خداونـد می خواهیم که امر حضرت را امضا کرده و اذن ظهور را صادر فرماید.

[

۴۳. «وَ اشْدُدْ اَزْرَهُ»؛

«و پشت او را محکم کن!»

ظهور و رهـا سـاختن جهـان از ظلم و فسـاد، کـار آسـانی نیست. زمـانی که حضـرت موسـی علیه السـلام برای حرکت به سوی فرعون، مأمور گردید به درگاه خداوند عرضه داشت:

۱- تفسیر المیزان، ذیل آیه، انبیاء (۲۱)، آیه ۷۳.

((رَبِّ اشْرَحْ لِی صَدْرِی وَیَسِّرْ لِی أَمْرِی وَاحْلُلْ عُقْدَهً مِّن لِّسَانِی یَفْقَهُوا قَوْلِی وَاجْعَل لِّی وَزِیرًا مِّنْ أَهْلِی هَارُونَ أَخِی اشْدُدْ بِهِ أَزْرِی))(1)؛

«پروردگارا! سینه ام را برایم فراخ گردان و کارم را آسان ساز و گره از زبانم بگشا تا سخنم را دریابند و از خاندانم پشتیبانی برایم قرار ده ــ برادرم هارون را ــ پشتم را به او استوار ساز...».

روشن است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در مأموریت بسیار گسترده و مشکل، نیازمند پشتیبانانی سخت کوش و مقاوم است. هسته اصلی این یاوران ۳۱۳ نفرند که این تحول بزرگ را مدیریت می کنند.

[

عهد با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

۴۴. «وَ اعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلادَک»؛

«وخدایا به وسیله او سرزمینهایت را آباد گردان!»

ص:۷۵

۱- طه (۲۰)، آیه ۲۵ تا ۳۱.

آباد کردن زمین وظیفه ای است عمومی که خداوند برای بشر معین کرده است:

((هُوَ أَنشَأَكم مِّنَ الأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكمْ فِيهَا))(۱)؛

«او شما را از زمین پدید آورد و به آبادگری در آن واداشت».

این آبادانی وقتی کامل می شود که به دور از هرگونه فساد و ناهنجاری باشد. ظهور حضرت از چند جهت آبادانی را ارتقا می بخشد و به صورت همه جانبه به پیش می برد:

۱. بالا رفتن توان علمی مردم؛

امام صادق علیه السلام فرمود:

دانش بیست و هفت حرف است و همه آنچه پیامبران برای مردم آوردند دو وحرف است... زمانی که قائم ما بپا خیزد، بیست و پنج حرف دیگر علم را بیرون خواهد آورد و آن را در بین مردم منتشر خواهد کرد.(۲)

۲. کامل شدن عقل های مردم؛

امام باقر علیه السلام فرمود:

۱- هود (۱۱)، آیه ۶۱.

۲- قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، ج۲، ۸۴۶.

زمانی که قائم ما بپاخیزد، بر سر مردم می گذارد، و به سبب آن عقل هایشان را متمرکز گردانده و فهم آنان به وسیله ان کامل می گردد.

۳. از بین رفتن فقر و فساد در جامعه؛

همچنین فرمود:

... او آنچنان عدالت را برقرار می سازد و همگان را برخوردار می گرداند، که کسی که نیازمند زکات باشد نمی یابی (فقر از بین می رود).

و باز فرمود:

دنیا پایان نمی پذیرد، تا آن که مردی از ما اهل بیت مبعوث خواهد شد که به کتاب خدا عمل می کند و هیچ منکری را نمی بیند مگر آن که آن را محو می نماید.(۱)

۴. استفاده از همه ذخایر وگنجینه های زمین؛

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

... هیچ بدهکاری را فروگذار نمی کند مگر آن که بدهی اش را می پردازد، و هیچ مظلمه ای را

۱- کلینی، الکافی، ج۸، ص۲۹۶.

نمی بیند مگر آن که آن را به صاحبش بر می گرداند.(۱)

و باز فرمود:

زمین میوه های دل خود را برای او بیرون می ریزد و کلیدهایش را به او می سپارد.(۲) ...... زمین برکت های خود را بیرون می ریزد(۳) .... زمین پاره های جگر خود را مانند ستون های طلا و نقره خارج می سازد.(۴)

[

۴۵. «وَ اَحْیِ بِهِ عِبَادَک»؛

«وبندگان خود را به واسطه او زنده گردان!»

از دیدگاه قرآن حیات دارای مراتبی است.

۱. حیات گیاهی (نباتی):

((وَیُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاء مَاءً فَیُحْیِی بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا))(۵)؛

۱- محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۲۵.

۲- نهج البلاغه، خطبه۱۳۸.

۳- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج۳، ص۵۲۷.

۴- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج۶، ص۳۱۰.

۵- روم (۳۰)، آیه ۲۴.

«و از آسمان آبی فرو می فرستد و زنده می کند با آن زمین را پس از مردن آن».

مردن زمین در این آیه به معنای فاقد گیاه و سبزه بودن است.

۲. حیات حیوانی:

((وَکنتُمْ اَمْوَاتاً فَاَحْیَاکمْ))(۱)؛

«شما مرده بودید واو شما را زنده کرد و جان بخشید».

۳. حیات فکری و معنوی:

((اسْتَجِیبُواْ لِلّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاکم لِمَا یُحْیِیکمْ))(۲)؛

«پاسخ دهید خدا و رسول را زمانی که دعوت می کنند شما را به آنچه که شما را زنده می کند».

این حیات، حیات حیوانی نیست؛ بلکه حیاتی برتر است که از آن به حیات معنوی و حیات معقول تعبیر می شود.

۴. حیات ویژه شهیدان

((بَلْ اَحْیَاءٌ عِندَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ))(۳)؛

۱- بقره (۲)، آیه ۲۸.

۲- انفال (۸)، آیه ۲۴.

۳- آل عمران (۳)، آیه ۱۶۹.

«شهیدان زنده اند و در پیشگاه پروردگارشان روزی می خورند».

این نوع حیات بسیار برتر و گسترده تر از زندگی دنیوی است.

مقصود از((وَ اَحْیِ بِهِ عِبَادَک))؛ حیات معنوی و معقول است که در پرتو هدایت های حضرت

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت می گیرد.

حصول این مرتبه حیات مرتبط با تحقق دیگر اهداف جامعه مهدوی است و بدون آنکه بخش های دیگر آن جامعه آرمانی تحقق یابد، حیات معنوی مورد نظر تحقق نمی یابد.

جامعه ای دارای حیات واقعی و برتر است که عرصه برای شکوفایی همه استعدادهای انسان ـ به دور از فساد و تبعیض و دغدغه های دیگر ـ فراهم باشد و این همان جامعه موعود مهدوی است.

[

۴۶. «فَإِنَّک قُلْتَ وَ قَوْلُک الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِی

الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا کسَبَتْ اَیْدِی النَّاسِ»؛

«خدایا تو فرمودی و گفتار تو حق است که: آشکار شد فساد در خشکی و دریا به واسطه دستآوردهای اعمال مردم!»

بشر به رغم تلاش ها و پیشرفت هایش، آنچه که به دست آورد به فساد در زمین منجر شده و انواع مخاطرات را در پی داشته است.

[

۴۷. «فَاَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِیَّک وَ ابْنَ بِنْتِ نَبِیِّک الْمُسَمَّی بِاسْمِ رَسُولِک»؛

«پس خداوندا! ولیّ خود و پسر دختر پیامبرت _ که هم نام رسول تو است _ بر ما ظاهر ساز!»

برای تحقق کامل هدف های ذکر شده در جملات قبل این دعا، تنها راه ظهور ولیّ خدا، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

در این جملات چند خصوصیت برای حضرت ذکر شده است:

۱. ولیّ خدا؛

ولیّ به معنای دوست و سرپرست است. امام علیه السلام از یکسو محبوب و حبیب خداوند است و از سوی دیگرسرپرست مؤمنان است.

ص:۸۱

۲. پسر دختر پیامبر؛

از ویژگی های حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف آن است که وی فرزند فاطمه زهرا علیها السلام دختر گرامی پیامبراست؛ یعنی آن حضرت را صرفا بایستی در فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام جستجو کرد. واین خود راه را بربسیاری از مدعیان دروغین خواهد بست.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

((انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی))(۱)؛

«من دو چیز گران سنگ در بین شما می گذارم: کتاب خدا و عترت من».

یعنی همان گونه که قرآن تا ابد باقی است، عترت پیامبر نیز به عنوان حجت و الگو، همیشه در کنار آن قرار دارد. این عترت، ذریه پاک فاطمه زهرا علیها السلام است.

نام و صفات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در اخبار رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام کاملا مشخص و معلوم شده است.

بنابر اخبار فراوان نام حضرت«م.ح.م.د» است که همانند نام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم است.

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۸۸.

[

۴۸. «حَتّی لا یَظْفَرَ بِشَیء مِنَ الْبَاطِلِ إلّا مَزَّقَهُ وَ یُحِقَّ الْحَقَّ وَ یُحَقِّقَهُ»؛

«تا آن حضرتش به باطلی دست نیابد، مگر آنکه آن را مضمحل سازد و حق را بر پا داشته و آن را پیاده کند**!**»

تثبیت حق، نیازمند پیاده سازی و محو کردن باطل، محتاج تلاش برای فرو ریختن آن است.

اگر حق، قاطعانه در میـدان نباشـد، باطل گسترش می یابد و تارهای عنکبوتی خود را همه جا می تند. سـرنوشت نهایی تاریخ، فراز آمدن حق و فرود آمدن باطل است.

((وَقُلْ جاء الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ))(۱)؛

«بگو: حق آمد و باطل از میان رفت».

امام باقر علیه السلام درباره آیه فوق فرمود:

((اِذا قامَ القائِمُ علیه السلام ذَهَبَتْ دَوْلَهُ الباطِلِ))(۲).

«زمانی که قائم علیه السلام قیام کند،دولت باطل ازبین می رود».

ص:۸۳

۱- اسراء (۱۷)، آیه ۸۱.

۲- کافی، ج ۸، ص ۲۸۸.

خداوند پیروزی دین حق را بر همه ادیان تضمین کرده است:

((هُوَ الَّذِی اَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کلِّهِ))(۱)؛

«اوست که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین ها غلبه بخشد».

این مضمون سه بار در قرآن مجید تکرار شده است.(۲)

از امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره این آیه روایت شده است:

((یُظْهِرُهُ عَلی جَمیعِ الَادیانِ عِندَ قِیامِ القائِمِ))(۳).

«خداوند به هنگام قیام قائم، دین حق را بر همه ادیان غلبه می بخشد».

[

۴۹. «وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْزَعا لِمَظْلُومِ عِبَادِک»؛

«بار خدایا! او را پناه بندگان مظلومت قرار ده!»

ص:۸۴

۱- توبه (۹)، آیه ۳۳.

۲- ر.ك: فتح (۴۸)، آیه ۲۸ و صف (۶۱)، آیه ۹.

۳- کافی، ج ۱، ص ۴۳۳.

اساس حاکمیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از بین بردن ظلم و بی عدالتی است. پس ظهور حضرت موجب آن می گردد که افراد مورد ستم ـ از هر قشر و طبقه و از هر دین و آیین ـ به آن حضرت توجه نموده و حل مشکل و رفع ظلم بر خود را از آن حضرت طلب کنند. این ویژگی بسیار مهم و برجسته در حکومت مهدوی وجود دارد، چرا که در آن هیچ مظلومی از گرفتن حق خود مایوس نشده و با امیدواری برای رفع ظلم اقدام می کند.

خداوند وعده کرده است که از مظلومان و ستمدیدگان، حمایت و آنان را یاری خواهد کرد.

((وَلَمَنِ انتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُوْلَئِک مَا عَلَيْهِم

مِّن سَبِيلٍ))(۱)؛

«و کسی که پس از مظلوم شدن [برای دفع ظلم] یاری می طلبد، راهی برای مواخذه آنان نیست».

امام باقر علیه السلام درباره این آیه فرمود: آن قائم ما است که وقتی قیام می کند، از بنی امیه و تکذیب کنندگان و بدگویان انتقام می گیرد.

۱- شوری (۴۲)، آیه ۴۱.

خداوند به مجموعه مستضعفان تاریخ نیز وعده داده است:

((وَنُرِیدُ اَنْ نَّمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْاَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّهً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِینَ))(1)؛

«و خواستیم که به مستضعفان زمین نعمتی سنگین داده و آنان را پیشوایان و وارثان قرار دهیم».

تحقق این خواسته با ظهور دولت مهدوی و حاکمیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و او اجرا کننده خواست خداوند در زمین خواهد بود.

۱- قصص (۲۸)، آیه ۵.

ارزش یاری مظلوم

خداوند مؤمنان را توبیخ کرده است که چرا در راه خدا و برای نجات مظلومان به کارزار با ظالمان نمی پردازند.

((وَمَا لَكُمْ لاَ تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاء وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَـذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا))(۱)؛

«چرا در راه خدا کارزار نمی کنید، حال آنکه مستضعفان از مردان و زنان و کودکان که می گویند خدایا! ما را از این دیاری که اهل آن ستمگرند، خارج کن».

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمود:

((دَعْوَةُ المَظلوُمِ مُستَجابَةٌ وَ اِنْ کانَت مِنْ فاجِرٍ مَخُوفٍ عَلَی نَفْسِهِ))(۲).

«دعای مظلوم مستجاب است اگر چه از فاجری که بر خود خائف است باشد».

امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت خود، به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام فرمود:

ص:۸۷

۱- نساء (۴)، آیه ۷۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۳۰.

((کونا لِلظّالِم خَصْماً وَ لِلْمَظلُومِ عَوناً))(۱).

«در برابر ظالم دشمن و برای مظلوم کمک باشید».

همچنین حضرت می فرماید:

من بارها از رسول خدا شنیدم که فرمود: «امتی که حق ضعیف را از قوی، بدون تزلزل و تردید نگیرد، هرگز پاکیزه نمی شود»(۲).

[

۵۰. «وَ نَاصِراً لِمَنْ لایَجِدُ لَهُ نَاصِراً غَیْرَک»؛

«و یاور برای کسی که جز تو یاوری نمی یابد!»

نهایت مظلومیت آن نیست که هیچ کس به یاری مظلوم نشتابد؛ بلکه آن است که مظلوم کسی را برای یاری نیابد.

چنین مظلومی ندایش به آسمان می رسد و ناله او بسی کارساز است. امام حسین علیه السلام در وصیت به فرزندشان می فرماید:

((اِیّاک وَظُلْمَ مَنْ لایَجِدُ عَلَیک ناصِراً اِلّااللّه))(۳)؛

۱- نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۲- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۳- کافی، ج ۲، ص ۳۳۲.

«بر حذر باش که به کسی ظلم کنی که جز خداوند یاوری ندارد».

یاور چنین مظلومانی، خداوند است و جانشینان او نیز این وظیفه را بر عهده دارند.

[

۵۱. «وَ مُجَدِّداً لِمَا عُطِّلَ مِنْ اَحْکامِ کتَابِک»؛

«و او را تجدید کننده احکام قرآن که تعطیل شده است قرار بده!»

مهجوریت قرآن

از جمله شکایت های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در قیامت، شکایت از امت است؛ چرا که آنان قرآن را مهجور قرار داده اند.

((وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا))(۱)؛

«و رسول گفت: پروردگارا! همانا قوم من این قرآن را متروک قرار دادند».

در زیارات ائمه علیهم السلام می خوانیم که آنان احیاگران و عاملان به کتاب خدا هستند:

«وَعَمِلْتَ بِكتابِهِ»(۲).

ص:۸۹

۱- فرقان (۲۵)، آیه ۳۰.

۲- زیارت امین الله.

بر این اساس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم عامل به کتاب خداوند و هم برپادارنده احکام آن است.

پیش ازظهور، قرآن به اندازه ای مهجور می گردد که وقتی حضرت قیام می کند،چنان تصورمی شود که قرآن و دین جدیدی آورده است.

در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است:

((یَقُومُ بِاَمرٍ جَدیدٍ وَ کتابٍ جَدیدٍ))(۱).

روشن است که امر جدیـد و کتـاب جدیـد، بـدان معنـا نیست که آن کتاب غیر قرآن است؛ بلکه از آنجا که قرآن و تعالیم آن متروک شده است، گویا کتاب جدید و سخن تازه ای آورده است.

[

۵۲. «وَ مُشَیِّداً لِمَا وَرَدَ مِنْ اَعْلامِ دِینِک وَ سُنَنِ نَبِیِّک صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ»؛

«و او را استحکام بخش نشانه ها و شعارهای دینت و سنت های پیامبرت صلی الله علیه و آله و سلم قرار ده!»

ص:۹۰

۱- غیبت نعمانی، ص ۲۳۴.

چنان که گفته شـد، در کنار قرآن، سـنت پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم ــ که در عترت او تجلی می یابـد ــ همانند قرآن منبع و مستند تعالیم دین است.

حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان گونه که بر پا دارنده قرآن است، احیاگر سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و شعارهای دین الهی نیز می باشد:

حیات و بقای هر دینی به سنت ها و بزرگداشت شعائر آن است.

((وَمَن یُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَی الْقُلُوبِ))(۱)؛

«وکسی که شعائر الهی را بزرگ بدارد آن نشانه تقوای دلهاست».

شعائر الهی بسیارند؛ مساجد، نماز، زکات، حج، روزه و... نمونه ای از آنها است.

[

۵۳. «وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِینَ»؛

«بار خدایا! او را از کسانی قرار ده که از آزار و فشار متجاوزان در امان باشد!»

دعا برای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

ص:۹۱

۱- حج (۲۲)، آیه ۳۲.

یکی از پرسش هایی که مطرح می شود این است که:

«امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چه نیاز به دعای ما دارد؟ مگر خداوند خود حافظ آن حضرت نیست؟»

پاسخ: دعا یکی از عوامل موثر در امور عالم و از جمله اسبابی است که خداوند برای آن نقش قرار داده است.

دعا حتی برای شخصیتی چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و انبیای بزرگ الهی، کارساز بوده و هست.

پیامبران علیهم السلام هم خود دست به دعا بر

می داشته و از خداوند درخواست می کرده اند و هم دیگران را به دعا بر می انگیخته اند.

معنای درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

خداوند و فرشتگان او، بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درود می فرستند و از مؤمنان نیز خواسته شده که بر آن حضرت درودفرستند. صلوات،دعا ودرخواست رحمت است. چنین کاری نمی تواند فاقد تاثیر باشد و خداوند ما را به کاری لغو فرمان نداده است و فرمان لغو از ذات اقدس او محال است. (سبحان الله)

مشکلات عصر ظهور

ص:۹۲

بر قراری حکومت عدل در سطح جهان، بدون شک با دشمنی ها و مخالفت های فراوانی روبه رو خواهد شد؛ چرا که مستکبران و مشرکان بی کار نخواهند نشست.

در این گیرودار، علاوه بر آنکه خود حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف در معرض آسیب های دشمنان است. اصحاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در معرض آزارها و مصایب فراوان قرار می گیرند.

دعا برای محفوظ ماندن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، علاوه بر آن که در سلامت بیشتر حضرت تاثیر دارد، در کاهش صدمات به اصحاب و یاران حضرت نیز مؤثّر خواهد بود. بنابراین دعا نقش مهمی در کاستن آسیب ها و صدمات به آن حضرت و یاران او دارد.

نکته دیگر آن که، آسیب به یاران حضرت در حقیقت آسیب به حضرت است. زمانی که دعا می کنیم خداوند حضرتش را از گزند دشمنان حفظ کند در حقیقت دعا برای محفوظ ماندن یاران او نیز هست.

آری آسیب رسیدن به یاران حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، بر او سخت است.

ص:۹۳

خداوند در توصیف پیامبر اسلام می فرماید:

((عَزِیزٌ عَلَیْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِیصٌ عَلَیْکم بِالْمُؤْمِنِینَ رَؤُوفٌ رَّحِیمٌ))(۱)؛

«رنج کشیدن شما بر پیامبر سخت است؛ بر هدایت شما حریص است و او به مؤمنان دلسوز و مهربان است».

سیره و اخلاق حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، همانند جدش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.رنج وسختی مؤمنان، رنج او است و سرور وشادی آنان، موجب شادمانی اواست.

[

۵۴. «اللَّهُمَّ وَ سُرَّ نَبِیَّک مُحَمَّداً صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ بِرُؤْیَتِهِ وَ مَنْ تَبِعَهُ عَلَی دَعْوَتِهِ»؛

«بار خدایا! پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و کسانی که با دعوت او (حضرت مهدی) او را پیروی می کنند، با دیدن او شاد فرما!»

اسباب شادی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از پیشرفت دین خدا، نابودی ظلم و برقراری عدل شادمان می شود.

۱- توبه (۹)، آیه ۱۲۸.

رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به قدری اهمیت دارد که رضایت آن حضرت، یکی از سبب های تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه اعلام شده است.

((فَلَنُوَلِّيَنَّک قِبْلَهً تَرْضَاهَا))(1)؛

«همانا تو را به طرف قبله ای که از آن خشنود باشی می گردانیم».

همچنین خداوند، پیامبرش را پس از خود، سزاوارترین فردی می داند که بایستی خشنودی او جلب گردد.

((وَاللّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَن يُرْضُوهُ))(2)؛

«وخدا و رسولش سزاورترند برای خشنود ساختن».

و بالاخره به پیامبرش وعده فرموده است:

((وَلَسَوْفَ يُعْطِيک رَبُّک فَتَرْضَی))(3)؛

«و حتما در آینده پروردگارت به تو عطا خواهد کرد تا خشنود گردی».

در این قسمت از دعای عهد، از خداوند

می خواهیم که دل پیامبرش را به ظهور حضرت

1- بقره (2)، آیه 144.

2- توبه (9)، آیه 62.

3- ضحی (93)، آیه 5.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شاد کند؛ چرا که ظهور آن حضرت زمان غلبه یافتن دین حق بر مکاتب دیگر است:

((لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کلِّهِ))(۱).

معنای دیگری نیز برای این جمله متصوّر است و آن دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با فرزندش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران رجعت است.

این صحنه بسی شادی آفرین و بهجت زا است؛ چرا که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم تحقّق وعده های خداوند را به دست فرزندش مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد دید و این اوج افتخار و شادمانی است.

همچنین زیارت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، برای کسانی که در رکابش آماده رزم شده و در هر شرایطی از او پیروی می کنند، افتخار و فیض بزرگی است.

برای سربازان میدان رزم که عاشقانه در آن حضور می یابند، درک محضر فرمانده خود، بسیار ارزشمند و شادی بخش است(۲).

ص:۹۶

۱- توبه (۹)، آیه ۳۳.
۲- در جنگ تحمیلی زمانی که فرماندهان در بین بسیجیان حضور می یافتند، صحنه هایی آفریده می شد که هیچ گاه از خاطره ها محو نخواهد شد.

[

۵۵. «وَ ارْحَم اسْتِکانَتَنا بَعْدَهُ»؛

«وبر ذلت ما پس از پیامبرت رحم کن!»

در دعای «افتتاح» می خوانیم: خدایا! ما از نبود پیامبرمان و غیبت ولیّ خود و فراوانی دشمنانمان به تو شکایت می کنیم.

روشن است که فقدان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و نبود امام در بین مردم، عوارضی را ایجاد می کند. یکی از راه های جبران این ضایعات، دعا به درگاه خداوند برای کاهش این ضایعات است.

[

۵۶. «اللَّهُمَّ اکشِفْ هَذِهِ الْغُمَّهَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّهِ بِحُضُورِهِ»؛

«بار خدایا! این گرفتاری را از این امت با ظهور حضرت بر طرف فرما!»

غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و محقّق شدن آرمان های حکومت عدل الهی برروی زمین و خسارت هایی که از این ناحیه بر امت اسلامی وارد می شود، بزرگترین گرفتاری امت است.

در این جا نکته ای را باید متذکر شد و آن این که: اگر با ظهور حضرت این گرفتاری ها برطرف می شود، چرا خداوند فرمان ظهور را صادر نمی کند؟

پاسخ: گرفتاری ها و کاستی های امت اسلام، تنها با رخداد ظهور حل و فصل نمی شود؛ بلکه بایستی آمادگی امت اسلام و کمال عقلی و عملی آنان به درجه خاصی رسیده باشد، تا بتوانند اهداف ظهور را تحقّق بخشند.

از همین رو در تاریخ، بارها دیده شده که در عین حضور پیامبران در بین مردم، به دلیل فقدان آمادگی معرفتی و عملی، اهداف پیامبران تحقق نیافته؛ بلکه مشکلات بزرگی نیز بر سر راه آنان ایجاد شده است.

حضرت موسی علیه السلام نمونه ای از این واقعه است. او با نجات بنی اسرائیل از حکومت فراعنه و با ارائه آیات الهی در موقعیت های مختلف، بنی اسرائیل را به سمت بیت المقدس روانه ساخت تا آنجا را از حکومت ظالمان نجات بخشد و بنی اسرائیل را در آن سرزمین اسکان دهد؛ ولی آنان با صدها عذر و بهانه به فرمان پیامبرشان

گردن ننهادند؛ بلکه راه عصیان و تمرد در پیش گرفتند!!.

گاهی در فراق عدس و پیاز با حضرت موسی علیه السلام سخن گفتند:

((فَادْعُ لَنَا رَبَّک یُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنبِتُ الأَرْضُ مِن بَقْلِهَا وَقِثَّآئِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا))(۱)؛

«ای موسی ! پروردگارت را بخوان تا از روییدنی های زمین از سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز برای ما بیرون آورد».

آنان تنها به این درماندگی و میل به سکون، اکتفا نکردند؛ بلکه تا آنجا پیش رفتند که:

((کانُواْ یَکفُرُونَ بِآیَاتِ اللَّهِ وَیَقْتُلُونَ النَّبِیِّینَ بِغَیْرِ الْحَقِّ))(۲)؛

«به آیات الهی کفر می ورزیدند و انبیای الهی را به ناحق می کشتند».

گوساله پرستی، بهانه گیری، سستی و گریز از سختی های راه خدا و... بخش دیگری از

۱- بقره (۲)، آیه ۶۱.

۲- بقره (۲)، آیه ۶۱.

عکس العمل های بنی اسرائیل در برابر پیامبرشان حضرت موسی علیه السلام و جانشینان آن حضرت بود.

پس علاوه بر مکتب کامل و پیشوای الهی، رکن دیگری برای عملی شدن اهداف پیامبران علیهم السلام ضروری است و آن آمادگی مردم برای پیاده سازی آن اهداف است.

مردم جهان در عصر غیبت، در روندی طولانی و شگفت انگیز، مکاتب مختلف را تجربه کرده اند تا به این اطمینان برسند که بایستی دست به سوی آسمان بردارند و منجی الهی طلب کنند، تا آنان را از تنگناها و ظلمت ها، برهانند و به راه مستقیم هدایت کند.

[

۵۷. «وَ عَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ»؛

«بار خدایا ! در ظهورش تعجیل کن!»

از جمله آموزه های ائمه علیهم السلام به شاگردان خاص خود، دعا برای تعجیل فرج بوده است.

محمد بن مسلم گوید: امام باقر علیه السلام کیفیت خطبه و دعای نماز جمعه را به من آموخت؛ از جمله آنها دعا برای تعجیل فرج بود(۱).

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف درنامه به محمدبن عثمان فرمود:

۱- کافی، ج ۷، ص ۳۴۳.

((وَ اکثِرُوا الدُّعاءَ بِتَعْجیلِ الفَرَجَ))(۱)؛

«برای تعجیل در فرج بسیار دعا کنید».

معنای فرج چیست؟

فرج به معنای گشایش است. از جمله تعالیم دین آن است که مؤمن نباید هیچ گاه از گشایش در امور ناامید شود.

دعا برای تعجیل فرج؛ یعنی دعا برای اینکه خداوند زودتر گشایش ایجاد کند.

هیچ گشایشی دراین جهان، مهم تر از ظهور حجت الهی نیست؛ چرا که با ظهور او، همه مشکلات حل و الگوی حکومت الهی بر روی زمین پیاده خواهد شد.

[

۵۸. «إِنَّهُمْ یَرَوْنَهُ بَعِیداً وَ نَرَاهُ قَرِیباً»؛

«همانا آنان ظهور را دور می بینند و ما آن را نزدیک می بینیم!»

منکران ظهور، اساس مهدویت را قبول ندارند و در اینجا دور دانستن آن، کنایه از ایمان

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۲.

نداشتن به پیش آمدن چنین رخدادی است؛ ولی ما نه تنها به آن ایمان داریم، بلکه آن را نزدیک می بینیم.

معنای نزدیک بودن فرج چیست؟

با توجه به اینکه زمان ظهور معلوم نیست و علم آن نزد خداوند است، چگونه می توان آن را نزدیک دانست؟

قرآن مجید قیامت را نزدیک می داند، با آنکه زمان آن بر هیچ کس معلوم نیست:

((اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانشَقَّ الْقَمَرُ))(۱)؛

«قیامت نزدیک شد و ماه شکافته شد».

بیش از هزار و چند صد سال گذشته است، حال چگونه قرآن قیامت را نزدیک می داند؟

پاسخ:

یکم: هر چیزی که حتما آمدنی است، نزدیک است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

((کلُ ما هُوَ آتٍ فَهُوَ قَریبٌ))(۲).

ص:۱۰۲

۱- قمر (۵۴)، آیه ۱.

۲- دعوات راوندی، ص ۲۳۱.

«هر چیزی که می آید نزدیک است».

از امیرمؤمنان علی علیه السلام پرسیدند: نزدیک و نزدیک تر چیست؟ حضرت پاسخ دادند:

«هر چه که آمدنی است، نزدیک است و نزدیک تر مرگ است»(۱)؛

بنابراین ظهور نیز چون حتما صورت خواهد گرفت، نزدیک است.

دوم: آنچه که ما آن را دور و نزدیک

می پنداریم، متناسب با ابعاد و ظرفیت های خود ما است. وقتی که عمر تاریخ را با عمر بشر ملاحظه می کنیم، لحظه ای بیشتر نیست، حال آنکه عمر صدساله مدتی طولانی به نظر می رسد.

برای خالق جهان و تاریخ، رخدادها با هم فاصله ای ندارند. آنچه به نظر ما دور می رسد، واقعا نزدیک است.

سوم: در صورت تحقّق شرایط واقعا ظهور به یقین نزدیک است. آنچه که ظهور را به تاخیر می اندازد، آماده نبودن واقعی ما برای آن حادثه بزرگ است. اگر خود را آماده کنیم، واقعاً ظهور نزدیک است.

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۲.

[

۵۹. «الْعَجَلَ الْعَجَلَ يَا مَوْلاىَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ»؛

«تعجیل کن، تعجیل کن، ای مولای من ای صاحب زمان!»

در این قسمت _ علاوه بر آنکه از خداوند

خواسته ایم که ظهور حضرتش را نزدیک فرماید _ از خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز می خواهیم که برای ظهورش تعجیل کند.

تعجیل حضرت برای ظهور، با دعا به درگاه خداوند و دعا برای امت، جهت آمادگی ظهور است.

الحمدلله اولاً و آخراً

قم: رجب المرجب ۱۴۲۶ه_ .ق

مردادماه ۱۳۸۴ه_ .ش

ص:۱۰۴

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹